



حقیقی حیدر باره اختلاف ایران و عراق

راجع به شط العرب

وزارت امور خارجه

خرداد ۱۳۴۸



دانشگاه تهران
کتابخانه مرکزی
و مرکز اسناد

۱۳۰۶ و

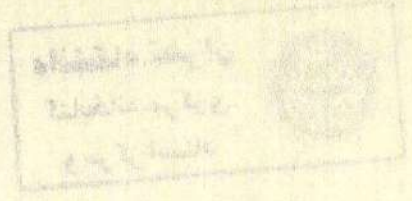


حقایق جدید درباره اختلاف ایران و عراق

راجع به شروط العرب

وزارت امور خارجه

خرداد ۱۳۴۸



فهرست مندرجات

فصل اول:

چگونگی انعقاد عهدنامه سرحدی ۱۳۱۶ (۱۹۳۷) بین ایران و عراق

صفحه	موضوع
۵ - ۱	۱ - مقدمه تاریخی
۷ - ۵	۲ - پروتکل استانبول (۱۹۱۳) و صورت جلسات تحدید حدود (۱۹۱۴) صورت قانونی بخود نگرفت .
۱۰ - ۷	۳ - اختلافات سرحدی پس از استقلال عراق
۱۱	۴ - مسافرت ملک فیصل اول به ایران
۱۸ - ۱۲	۵ - ارجاع اختلافات ایران و عراق به جامعه ملل
۲۵ - ۱۸	۶ - آغاز مذاکره برای عقد عهدنامه سرحدی
۲۷ - ۲۵	۷ - امضای عهدنامه سرحدی ۱۳۱۶ (۱۹۳۷)

فصل دوم:

سی و دو سال سوء نیت عراق در عدم اجرای مواد مهم عهدنامه سرحدی ۱۳۱۶ (۱۹۳۷) و ماده دوم پروتکل ضمیمه آن .

۳۱ - ۲۸	۱ - از تاریخ امضای عهدنامه تا اشغال ایران بوسیله متفقین و پایان جنگ دوم جهانی
۴۳ - ۳۱	۲ - رفتار عراق پس از پایان جنگ دوم جهانی
۴۷ - ۴۳	۳ - بعد از پیمان بغداد
۴۹ - ۴۷	۴ - تیرگی روابط دو کشور بعد از انقلاب عراق (۱۹۵۸)
۵۳ - ۴۹	۵ - بندر خسر و آباد و کشتیهای شرکت ایران-پان آمریکا
۵۷ - ۵۳	۶ - بندرداری آبادان

فصل سوم:

اعلام تالوگ بعنوان خط مرز بین ایران و عراق در شط العرب

۵۹ - ۵۸	۱ - بیانات شاهنشاه
۶۰ - ۵۹	۲ - اظهارات سر لشکر عبدالکریم قاسم

فصل اول

چگونگی انعتاد عهدنامه سرحدی ۱۳۱۶ بین ایران و عراق

۱- مقدمه تاریخی

در اوائل قرن دهم هجری (قرن شانزدهم میلادی) دولت صفوی موفق شد حکومت‌های محلی و ملوک الطوائفی را براندازد و دولت مرکزی مستقل و عظیمی تاسیس کند و وحدت ملی و مذهبی و سیاسی در ایران بوجود آورد. طبیعی است که این امر موجب ناراحتی عثمانی که رشته‌های نفوذ خود را تا آسیای میانه کشانده بود واقع گردید و در نتیجه جنگ‌های خونین ایران و عثمانی آغاز شد که گاه عثمانیها پیروز میشدند و قسمتی از ایالات ایران را اشغال میکردند و زمانی ارتش صفوی و افشار عراق را بتصرف خود در میآورد و ترکان عثمانی را از آن ناحیه بعقب میراند.

در سال ۱۲۵۳ هجری قمری (۱۸۳۷ میلادی) والی

موضوع	صفحه
۳ - اظهارات وزیر امور خارجه ایران در مجلس شورای ملی	۶۳-۶۰
فصل چهارم:	
اعلام بی اعتبار بودن عهدنامه سرحدی ۱۹۳۷	
۱ - اظهارات وزیر امور خارجه در مجلس سنا (دسامبر ۱۹۶۵)	۷۲-۶۴
۲ - مسافرت وزیر امور خارجه ایران به عراق (دسامبر ۱۹۶۶)	۷۳-۷۲
۳ - مسافرت های رئیس جمهور ونخست وزیر و وزیر دفاع عراق به ایران	۷۵-۷۳
۴ - مسافرت هیئت نمایندگی ایران به عراق	۷۶-۷۵
۵ - اعلام کتبی بی ارزش بودن عهدنامه سرحدی ۱۳۱۶ (۱۹۳۷)	۸۱-۷۶

فصل پنجم:

چگونگی پیدایش بحران اخیر و نطق قائم مقام وزیر امور خارجه ایران در مجلس سنا

۱ - اظهارات معاون وزارت خارجه عراق	۸۳-۸۲
۲ - نطق قائم مقام وزیر امور خارجه ایران در مجلس سنا	۹۰-۸۳
۳ - اعلامیه وزارت امور خارجه (۲۷ آوریل ۱۹۶۹)	۹۲-۹۰

بغداد علیرضا پاشا لشگر بخرمشهر (که آن زمان محمره نامید میشد) کشید و آن شهر را بیاد قتل و غارت داد بنابراین وقوع جنگ تازه ای بین دولتین ایران و عثمانی حتمی بنظر میرسید. روس وانگلیس درصددبر آمدند نفوذ خود را بکار برند و مانع بروز جنگ شوند باینجهت با دو دولت وارد مذاکره شدند وساطت آنها موثر افتاد و در سال ۱۲۵۹ هجری (۱۸۴۳ میلادی) نمایندگان ایران و عثمانی و نیز روس و انگلیس (بعنوان دو دولت واسطه) در ارض روم (ارزته الروم) برای حل اختلافات سرحدی کمیسیونی تشکیل دادند و مذاکراتی آغاز کردند که چهار سال ادامه داشت تا آنکه در جمادی - الثانیه ۱۲۶۳ هجری قمری برابر با ۳۱ مه ۱۸۴۷ میلادی طرح يك عهدنامه نه ماده ای که بنام عهدنامه ارض روم معروف است بامضاء رسید و مقرر شد اسناد تصویب آن عهدنامه ظرف دو ماه از طرف دولتین ایران و عثمانی مبادله گردد. ولی این عهدنامه مورد تصدیق دولت شاهنشاهی قرار نگرفت زیرا ایران بابت غرامت جنگی و غارت خرمشهر مبلغ ۵ کرویر تومان از دولت عثمانی مطالبه میکرد و آن دولت حاضر بتأدیه آن مبلغ نبود.

روس و انگلیس که بمنظور پیشرفت مقاصد خودشان میخواستند بجنگهای ایران و عثمانی خاتمه دهند فشار خود را بطرفین برای تصویب عهدنامه از سر گرفتند تا اینکه دولت شاهنشاهی بسال ۱۲۶۴ هجری قمری (۱۸۴۸ میلادی) میرزا محمدعلی خان وزیر مختار خود را در پاریس که در راه بازگشت به تهران بود مامور کرد در اسلامبول اسناد تصویب عهدنامه ارض روم را مبادله نماید. وقتی وی با اسلامبول رسید نمایندگان

روس وانگلیس از او تقاضا نمودند علاوه بر مبادله سند تصویب عهدنامه یادداشتی را که متضمن تفسیری از مواد عهدنامه بنفع دولت عثمانی بود امضاء کند. دولت ایران از متن تفسیر مذکور کوچکترین اطلاعی نداشت و میرزا محمدعلی خان با اعتماد نفوذ روس و انگلیس در دربار آنروز ایران خودسرانه آن یادداشت را امضاء کرد و خود وی در موقع امضاء نیز این نکته را تلویحاً اعلام داشت.

دولت شاهنشاهی بعد از استحضار از این جریان عمل میرزا محمدعلی خان را يك عمل خودسرانه اعلام کرد و مبادله اسناد تصویب عهدنامه و یادداشت را بآن صورت باطل و غیر معتبر اعلام نمود. در کمیسیونهایی هم که تشکیل میشد. نمایندگان ایران حاضر نبودند دست از حقوقی که متعلق بایران است بردارند بخصوص هیچگاه حاضر نشدند از حقوق حاکمیت ایران در شرط العرب صرف نظر کنند و اصرار میورزیدند که حق حاکمیت دو کشور در شرط العرب باید تابع عرف و موازین و مقررات معموله باشد.

دولت عثمانی بفشار خود ادامه میداد ضمناً برای اینکه ایران را وادار بقبول و اجرای عهدنامه ارض روم سازد برضائیه (ارومیه سابق) و خوی و بعضی نقاط دیگر آذربایجان لشگر کشید و آن نواحی را تصرف کرد. عاقبت در سال ۱۳۲۹ هجری قمری (۲۱ دسامبر ۱۹۱۱) بین وزارت امور خارجه ایران و سفیر عثمانی در تهران مقاوله نامه ای امضاء شد و طی آن مقرر گردید کمیسیونی مرکب از نمایندگان طرفین در اسلامبول تشکیل شود و اگر ظرف شش ماه نتوانستند بتوافق برسند برای تصفیه اختلافات سرحدی بدیوان داوری لاهه

این نکته مهم است که در این مقاوله نامه که اساس پروتکل ۱۹۱۳ اسلامبول و صورت جلسات تحدید حدود ۱۹۱۴ میباشد نه تنها صحبتی از قول و قرارهای فضولی میرزا محمدعلی خان بمیان نیامده بود بلکه مواد عهدنامه ارض روم هم کاملاً وبالصراحه تصدیق نشده و از آن عهدنامه فقط بعنوان اساس مذاکرات یاد شده بود .

در سال ۱۳۳۰ هجری قمری (۱۹۱۲ میلادی) بر طبق مقاوله نامه تهران کمیسیون مختلطی از نمایندگان دو دولت در اسلامبول تشکیل شد و گرچه در مقاوله نامه اسمی از انگلیس و روس برده نشده بود آن دو دولت که قرار داد ۱۹۰۷ را امضاء کرده و ایران را بدو منطقه نفوذ تقسیم نموده بودند کماکان دست از مداخله و اعمال نفوذ برنمیداشتند .

در کمیسیون اسلامبول عثمانیها باز موضوع یادداشت امضاء شده بوسیله میرزا محمدعلی خان را عنوان کردند لیکن نمایندگان ایران مانند همیشه آنرا بی اعتبار و غیر موجه و غیر قابل استناد میدانستند تا اینکه در هفدهمین جلسه مذاکرات بر اثر فشار دولتهای میانجی با تأیید مجدد این نکته که میرزا محمدعلی خان اجازه و اختیار برای تصدیق توضیحات چهارگانه نداشته اعلام داشتند که دولت ایران یادداشت مورخ آوریل ۱۸۴۸ دولتین واسطه را بیاب عالی قبول میکند . متن قسمت مربوطه اظهارات نماینده ایران بقرار زیر است :

«مطالعه و بررسی اوراق و اسنادیکه از تهران واصل گردیده مؤید همان نظری است که تا بحال نمایندگی ایران داشته مبنی بر اینکه میرزا محمد علی خان فرستاده اعلیحضرت

پادشاه ایران دارای اختیارات لازم برای امضاء مقررات اضافی که از طرف کمیسرهای دو دولت میانجی تدوین گردیده و در متن اصلی عهدنامه درج نشده بوده نداشته است .

نمایندگی ایران با وجود اینکه در اصل معتقد باین نظر میباشد ولی برای ابراز حسن نیت صمیمانه بمنظور حل قضیه سرحدی و بادر نظر گرفتن اقدامات میانجی گری انگلیس و روسیه در هفتاد سال گذشته توضیحات مندرجه در یادداشت را بعنوان جزء لایتجزای عهدنامه ارض روم میشناسد و آنرا قبول مینماید .

با اینکه طبق مقاوله نامه ۱۹۱۱ مقرر شده بود مذاکرات در اسلامبول تعقیب شود در تاریخ بیست و یکم ژوئیه ۱۹۱۳ در لندن موافقت نامه ای بین سرادوار دگری وزیر خارجه انگلیس و ابراهیم حقی پاشا نماینده عثمانی درباره سرحدات ایران و عثمانی بامضاء رسید و متعاقب آن در تاریخ چهارم نوامبر ۱۹۱۳ پروتکلی در اسلامبول توسط صدر اعظم عثمانی و سفیر کبیر ایران امضاء شد که سفیران روس و انگلیس هم بر آن صحنه گذاشتند . بر اساس همین پروتکل بود که نمایندگان چهار دولت در سال ۱۹۱۴ اقدام بتحدید حدود و تعیین سرحدات ایران و عثمانی کردند .

۴ - پروتکل اسلامبول ۱۹۱۳ و صورت مجلس های تحدید حدود ۱۹۱۴ صورت قانونی بخود نگرفت :

پروتکل ۱۹۱۳ اسلامبول و تحدید حدود ۱۹۱۴ که بر اثر مداخله دولتهای استعماری وقت قسمتی از اراضی و آبهای ایران را بعثمانی واگذار میکرد هرگز صورت قطعی و

قانونی بخود نگرفت و بتصویب مجالس مقننه دو کشور نرسید، در این پروتکل ها تمام شط العرب بجز قسمت کوچکی در مقابل محمره بدولت عثمانی واگذار شده بود در حالیکه عثمانیها هیچوقت بمالکیت ایران نسبت بآبهای ساحلی شط العرب اعتراض نداشتند و اختلاف همیشه بر سر اراضی سرحدی بوده است. شاهد غیر قانونی بودن پروتکل اسلامبول آنستکه دولت ترکیه جانشین امپراطوری عثمانی خود اعلام کرد که پروتکل ۱۹۱۳ را نمیتوان يك سند سیاسی معتبر دانست زیرا شکلی که برای اعتبار آن لازم است بخود نگرفته باین معنی که نه بتصدیق مجلس مبعوثان عثمانی و نه بتصویب سلطان که رئیس قوه مجریه بوده رسیده است و لذا پروتکل مزبور باطل و بلااثر مانده است. از طرف ایران نیز چون هرگونه تغییر ارضی و یا تعدیل حدود مملکت باید با اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی باشد و پروتکل ۱۹۱۳ این شرط اصلی را فاقد بوده بنابراین هیچگاه معتبر و قطعی تلقی نشده است.

سر آرنولد ویلسن که در کمیسیون تحدید حدود سال ۱۹۱۳ مرکب از نمایندگان ایران و عثمانی و روس و انگلیس میانجی و نماینده دولت انگلستان بوده است در کتابی که تحت عنوان ایران نوشته میگوید: «روشی که دولتین ایران و عثمانی از آغاز رفت و آمد کشتیها بشط العرب و شاید از خیلی وقت پیش عملاً اتخاذ کرده بودند این بوده که همه گونه اعمال حاکمیت در شط تا نقطه ای که هر دو ساحل متعلق بعثمانی میشده است مشترکاً اجرا میگشت» این عقیده که از طرف نماینده دولت انگلیس و عضو کمیسیون تحدید حدود

اظهار شده دلیل روشنی است که در هیچ عصر و زمان موضوع حاکمیت و حقوق ایران در شط العرب مورد تردید نبوده و دو کشور در آن رودخانه همواره طبق اصول و مقررات حقوق بین الملل عمومی رفتار میکردند.

۳- اختلافات سرحدی پس از استقلال عراق

پس از پایان جنگ بین الملل اول عراق که قبلاً جزو متصرفات عثمانی بود از طرف جامعه ملل تحت قیمومت انگلستان درآمد.

انگلیسها از همان ابتدای امر مایل بودند به عراق استقلال ظاهری داده آن کشور را وارد جامعه ملل نمایند. ولی میخواستند قبلاً مطمئن باشند که دولتهای عضو جامعه با ورود آن کشور مخالفت نخواهند کرد. دولت شاهنشاهی که با ظهور اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر جان تازه ای گرفته و وضع اسفبار سابق را پشت سر گذاشته بود تصمیم گرفت تا دولت عراق اعتراف بحقوق ایران در مرز بین دو کشور بخصوص در شط العرب نکند و تا حقوق اتباع ایرانی ساکن عراق تضمین نگردد از شناسائی عراق و برقراری روابط سیاسی با آن کشور خودداری نماید.

دولت انگلستان که حامی رژیم عراق بود بر آن شد که مانع را از میان بردارد و نسبت به عقد قرارداد عادلانه بین ایران و عراق در مسئله شط العرب تضمینی بدولت شاهنشاهی بدهد. باینجهت وزیر مختار انگلیس در تهران طی یادداشت مورخ یازدهم مارس ۱۹۲۹ بوزیر خارجه ایران چنین نوشت:

«... حال بدو ستندار دستوراتی رسیده است که بموجب آن میتوانم حضرت اشرف را صریحا مطمئن سازم در صورتیکه دولت متبوعه شما امروز حاضر به شناختن عراق باشد پس از استحضار از جزئیات اشکالاتی که عملا برای دولت ایران بواسطه وضعیت فعلی در شطالعرب رخ میدهد و تأمیناتی را که دولت ایران تقاضا میکند دولت متبوعه دوستدار نزد دولت عراق وساطت خواهد کرد که ایران بتواند به اخذ تقاضاهای معقول خود موفق گردد...»

پس از حصول این اطمینان و پس از اینکه دولت عراق مشکلاتی را که از لحاظ قضائی نسبت باتباع ایران فراهم کرده بود مرتفع ساخت دولت شاهنشاهی هم تصمیم بشناسائی رژیم جدید عراق گرفت. این شناسائی در سال ۱۹۲۹ میلادی عملی گردید و وزیر مختار ایران تعیین و رهسپار بغداد شد.

در این موقع انتظار میرفت دولت عراق بعد از وعده های وزیر مختار انگلیس و اطمینانهائی که ملک فیصل اول داده بود قدمی در راه حل مشکل شطالعرب بردارد ولی اقدامی از طرف آنها بعمل نیامد و قضیه در بوته اجمال ماند. عاقبت بعد از مراجعات پیاپی و یادآوریهای مکرر قرار شد در بهار سال ۱۳۱۰ هجری شمسی (۱۹۳۱ میلادی) نمایندگان ایران و انگلیس و عراق در بصره جلسه ای تشکیل بدهند و مسئله شطالعرب را بصورت قابل قبولی حل نمایند.

اما بتدریج معلوم شد که دولت عراق در وعده ای که راجع بحل مسئله شطالعرب بصورت عادلانه و قابل قبول

داده بودند صادق نبودند و مقصود آنها از این وعده فقط و فقط شناسائی رژیم عراق از طرف دولت شاهنشاهی بوده است نه حل مسئله. باینجهت دولت ایران ناچار شد رسماً عدم اعتبار تحدید حدود ۱۹۱۴ را بوسیله یادداشتی باطلاع دولت عراق برساند.

متن یادداشت مذکور بشرح ذیل است:

«شماره ۳۲۷۶ مورخ ۱۰ آذرماه ۱۳۱۰»

سفارت شاهنشاهی ایران باکمال احترام در جواب یادداشت نمره ۴۷۹۰ مورخ ۵ تشرین الاول ۱۹۳۱ وزارت خارجه دولت پادشاهی عراق زحمت افزا میشود. بطوریکه همواره باولیای محترم حکومت عراق در مواقع مختلفه تذکر داده شده چون قرارداد تحدید حدود ۱۹۱۴ منعقد بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت عثمانی سابق از روز اول مورد اعتراض دولت شاهنشاهی بوده و اختلافات حدودی فیما بین ایران و عراق را موافق مصالح و منافع ایران حل و تسویه نکرده و دولت شاهنشاهی نمیتواند مقرراتی را که از آن قرارداد حاصل گردیده تمکین نماید لهذا قرارداد مزبور را هیچوقت برسمیت نشناخته و اعتراضات خود را نسبت بمدلول آن محفوظ میدارد تا اینکه این موضوع فیما بین دولتین مورد بحث واقع شده و اختلافات مزبور تصفیه گردد».

ولی دولت نوخاسته عراق بجای اینکه دوستی ایران را مغتنم شمارد و درصدد حل قضیه شطالعرب بطور عادلانه منطبق باعرف و موازین بین المللی برآید در پاسخ این یادداشت

سرسختی نشان داد. ترجمه یادداشت وزارت خارجه عراق که در پاسخ یادداشت سفارت شاهنشاهی صادر گردید بشرح ذیل است:

«شماره ۶۳۴۶ مورخ شانزدهم دسامبر ۱۹۳۱ (مطابق ۲۴ آذرماه ۱۳۱۰)»

وزارت خارجه تعارفات خود را بسفارت شاهنشاهی ایران در بغداد تقدیم و باکمال افتخار بمراسله نمره ۳۲۷۶ مورخ دوم کانون اول (دسامبر) ۱۹۳۱ سفارت مراجعه نموده و معزی‌الیهها را مستحضر میدارد که حکومت عراق نمیتواند اعتراض حضرت مستطاب اجل آقای وزیر مختار دولت شاهنشاهی ایران را راجع باین موضوع بپذیرد و بوزیر مختار خود در تهران امری صادر نمود که راجع باین قضیه از حکومت مرکزی ایران مشروحاً توضیحات بخواهند. وزارت خارجه موقع را»

یکی دیگر از شواهد سوء نیت و وعده خلافی عراقیها آنستکه بکنسول خود در خرمشهر دستور داده بودند بفرماندار خرمشهر بنویسد که قوای انتظامی ایران نباید در شطالعرب عبور نمایند. پیدا است که این نامه که هم از لحاظ موضوع و هم از جنبه تشریفات قابل تحمل نبود موجب برآشفستگی دولت شاهنشاهی گردید و بوزیر مختار در بغداد دستور اکید دادند بدولت عراق قویاً تذکار دهد که دست از این حرکات غیر دوستانه بردارند.

۴ - مسافرت ملک فیصل اول به ایران

چون عراق حاضر بحل مشکل شطالعرب نبود و روابط بین دو کشور روبه‌تیرگی میرفت و در شطالعرب و همچنین در سرحدات خاکی تصادم هائی بین گشتیها و ژاندارمهای طرفین روی میداد. ملک فیصل اول که مایل بود اختلافات ایران و عراق بنحو رضایت بخش فیصله یابد تصمیم گرفت شخصاً به ایران مسافرت و با رضاشاه کبیر تبادل نظر نماید. این تصمیم بعد از تلگرافهائی که بین دو پادشاه مبادله گردید عملی شد و فیصل اول روز دوم اردیبهشت ماه ۱۳۱۱ برابر با ۲۲ آوریل ۱۹۳۲ وارد تهران گردید.

ملک فیصل که برای دوستی با ایران اهمیت فوق‌العاده قائل بود در مذاکره با رضاشاه کبیر سعی کرد اطمینان بدهد که دولت عراق حاضر است در مورد شطالعرب امتیازاتی به ایران دهد و روابط دو کشور را که رو بتیرگی میرفت التیام بخشد. قرار شد بهار سال بعد رضاشاه کبیر از ملک فیصل بازدید نماید و دنباله مذاکرات در بغداد تعقیب گردد و کار شطالعرب بسرانجام رسد.

ملک فیصل در تاریخ هشتم سپتامبر ۱۹۳۳ (۱۷ شهریور ماه ۱۳۱۲) در برن درگذشت و بازدید رضاشاه کبیر از عراق صورت نگرفت. با مرگ او بارقه امیدبخشی که در روابط دو کشور و حل اختلافات فیما بین درخشیده بود خاموش شد و مقامات مسئول عراق نخواستند در راه حل اختلافات دو کشور قدم بردارند.

یادداشت‌هایی که در این اوقات بین طرفین مبادله میشد تند و زننده بود در این یادداشتها عراق اصرار میورزید معاهده ارض روم و صورت مجلس‌های تحدید حدود ۱۹۱۴ رسمیت دارد و شط‌العرب متعلق بعراق است ولی ایران قراردادی را که قریب صد سال پیش بر او تحمیل شده بود و قوت قانونی نداشت قبول نمیکرد و آنرا باطل میشمرد. تحدید حدود ۱۹۱۴ را هم چون مراحل قانونی خود را نپیموده و در مجالس مقننه ایران و عثمانی تصویب نشده و بصره پادشاهان دو کشور نرسیده بود بهیچوجه قبول نداشت. بموازات این مکاتبات تصادمات و حوادث مرزی نیز شدت می‌یافت. در این موقع دولت عراق حوادث مرزی را بهانه ساخته در تاریخ سیزدهم آذرماه ۱۳۱۳ (مطابق با چهارم دسامبر ۱۹۳۴) از ایران بجامعه ملل شکایت کرد و همان روز نامه‌ای از وزیر خارجه آن کشور بوزیر مختار ایران در بغداد تسلیم گردید که ترجمه آن بشرح ذیل است:

«شماره ۲۳۹۹ مورخ ۴ کانون اول ۱۹۳۴

وزیر عزیزم

راجع به اختلاف رای بین دولتین در مشروع بودن تحدید حدود سال ۱۹۱۴ و نهائی بودن آن مراسله‌ای بر رئیس دارالانشاء جامعه ملل نوشته‌ام که سواد آن را اینک برای استحضار خاطر محترم لفاً تقدیم میدارد و مراسله مزبوره بزبان انگلیسی که یکی از دو زبان رسمی جامعه ملل است تهیه شده است از مراسله فوق‌الذکر يك نسخه هم برای شارژدافر

عراق در تهران فرستاده و تعلیمات لازمه را بمشارلیه داده‌ام که در همان موقعی که مراسله مزبور بر رئیس دارالانشاء جامعه ملل داده میشود او هم نسخه فوق‌الذکر را بجناب مستطاب اجل آقای وزیر امور خارجه دولت شاهنشاهی ایران ابلاغ نماید.

مراسله مزبوره اگر چه بطور شکایت بردولت شاهنشاهی ایران انشاء شده است ولی چنانکه در مذاکرات اخیر نیز بحضرتعالی اظهار داشته‌ام مراجعه بجامعه ملل در اثر احساسات غیر دوستانه نبوده و بلکه برخلاف آن بوده است زیرا دوستی با ایران همیشه مهمترین قسمت سیاست خارجی عراق بوده و میباشد و حکومت عراق اینطور فهمیده است که اختلاف رای در این موضوع از دیر زمانی باین طرف باعث سوء تفاهم بین دولتین شده و حالا موقع آن رسیده است که این اختلافات برطرف شود. دوستدار انتظار دارد که پس از تسویه این موضوع دوره تعاون صمیمانه بین این دو ملت و دو دولت تجدید گردد.

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه خود را اظهار میدارد.
مخلص نوری السعید»

البته تصمیم عراق بشکایت از ایران بجامعه ملل از چند ماه قبل معلوم بود و مقامات انگلیس این امر را به بعضی ماموران دولت شاهنشاهی گوشزد کرده بودند. مستند عراق در مراجعه شکایت بجامعه ملل قسمت دوم از ماده یازدهم میثاق جامعه ملل بود که ترجمه آن ذیلا درج میشود:
«برای حفظ حقوق دوستی بین اعضاء جامعه هر يك

از اعضاء ميتوانند در موقع حدوث هر گونه واقعه كه بمناسبات بين‌المللى برخورد و يا صلح بين‌المللى را تهديد و يا به حسن تفاهم بين دول لطمه وارد آورد نظر شوراي جامعه ملل را بآن جلب نمايند» .

دولت عراق در عرضحال خود بجامعه ملل بعهدنامه ارض روم و پروتكل اسلامبول ۱۹۱۳ و صورت جلسات تهديد حدود ۱۹۱۴ كه با ميانجيجرى و دخالت روس و انگليس تهيه شده استناد كرد . دولت شاهنشاهى نيز پاسخى باين عرضحال تهيه نمود و دلائل بطلان ادعاى عراق را بتفصيل شرح داد .

اساس استدلال ايران در جامعه ملل از اينقرار بود :

بعقيده دولت شاهنشاهى معاهده ارض روم مورخ ۱۸۴۷ و پروتكل قسطنطنيه مورخ ۱۹۱۳ و درنتيجه صورت جلسات كميسيون تهديد حدود سرحدى ۱۹۱۴ نه از لحاظ حقوقى و نه از لحاظ عدالت براى تعيين سرحدات ايران و عراق معتبر نيستند .

در توضيح اين نظر دولت شاهنشاهى دريادداشت جواييه خود تاريخچه انعقاد معاهده ارض روم را بتفصيل ذكر نموده و نتيجه گرفته بود كه چون نماينده ايران كه اسناد تصويب معاهده را مبادله نموده بود از حدود اختيارات خود تجاوز نمود معاهده ارض روم نميتواند قوت قانونى داشته باشد . درمورد پروتكل قسطنطنيه نيز تصريح شده بود كه اين پروتكل نه بتصويب مقامات مقننه در ايران و نه در عثمانى رسيده و اعتبارى ندارد . بعلاوه اين پروتكل كه در تائيد

معاهده ارض روم بامضاء رسيده از مفاد آن معاهده عدول نموده و غير قانونى است و درنتيجه تصميمات كميسيون تهديد حدود سرحدى در سال ۱۹۱۴ نيز نميتواند براى دولت ايران الزام آور باشد .

دولت ايران نتيجه گرفته بود كه ادعاى عراق مبتنى براسناد غير معتبر است و چون براى تهديد حدود ايران و عراق در شطالعرب سند معتبرى وجود ندارد خط سرحدى برطبق اصول شناخته شده بين‌المللى «تالوگ» ميباشد .

هيأت نمايندگى ايران رهپسار ژنو شد و در آنجا مذاكراتى براى حصول توافق بين طرفين با وساطت بعضى اعضاء جامعه ملل صورت گرفت ولى راه حل براى مشكل پيدا نشد عاقبت در جلسه ۲۶ مه ۱۹۳۵ (چهارم خرداد ۱۳۱۴) موضوع اختلاف ايران و عراق در جامعه ملل مطرح گرديد . وهريك از طرفين در شرح مدعاى خود اظهاراتى كردند كه متن آنها در صورت جلسات جامعه مندرج ميباشد . ساير نمايندگان هم هر كدام مطالبى بيان نمودند . نماينده دولت شوروى آقاى ليتوينوف هنگام بحث راجع به پروتكل اسلامبول و صورت جلسات تهديد حدود كه در آنوقت بامضاي نماينده دولت تزارى روسيه هم رسيده بود بكلى ذمه دولت شوروى را از اين امضاء مبرى دانست قسمتى از اظهارات او در شوراي جامعه ملل كه برياست نماينده ترقيه تشكيل شده بود ذيلا نقل ميشود :

«... قبل از آنكه شوراي جامعه اساس اختلافاتى را كه بما ارجاع گرديده است مورد توجه قرار دهد ميخواهم

نظریه مقدماتی خود را از لحاظ کلیات اظهار بدارم . در ضمن اسنادی که طرفین تقدیم شوری نموده‌اند همچنین در ضمن لوایح نمایندگان طرفین نام روسیه در موافقت‌هایی که بین مملکت عثمانی و دولت ایران راجع بسرحداتشان بعمل آمده بعنوان دولت شرکت کننده ذکر گردیده است . معلوم است این موضوع حقیقت دارد زیرا عهدنامه ارض روم و پروتکل اسلامبول هر دو دارای امضای نمایندگان دولت روسیه که در آن زمان حکومت میکرد میباشد . بنابراین وظیفه خود میدانم اظهار بدارم که هر اقدامی که دولت امپراطوری سابق روسیه برای مداخله در امر تحدید حدود مرزی دو کشور دیگر مناسب دانسته باشد آن سیاست یا منافی که موجب چنین اقدامی شده باشد بهیچوجه به دولت شوروی مربوط نیست و علاقه شوروی باین موضوع مثل اعضاء دیگر شورای جامعه است و بعبارت آخری مایل میباشد با عدالت و بی طرفی و برضایت طرفین که بتوانند روابط دوستانه و علائق حسن همجواری را تعقیب نمایند تصفیه گردد .

عجیب اینکه توفیق رشدی ارس نماینده دولت ترکیه و رئیس وقت شوری که نماینده دولت وارث امپراطوری عثمانی بود نیز سخن نماینده شوروی را تأیید نمود و او هم ذمه دولت متبوع خود را از آنچه در عصر خلافت عثمانی گذشته تبرئه کرد وی گفت :

«اینجانب بدوا بسمت نماینده ترکیه حرف خواهم زد زیرا اسنادی که مورد بحث واقع گردیده امضای دولت

عثمانی را دارا بوده و طرفین کرارا بمملکت اینجانب اشاره کردند در این باب کاملاً با اظهارات مسیو لیتوینوف شریک هستم ...»

بارون الویزی Aloisi نماینده ایتالیا که از طرف شوری بسمت مخبر تعیین شده بود پیشنهاد کرد چون در جلسات امسال جامعه ملل توفیق یافتن راه حل مرضی الطرفین پیدا نشده موافقت شود بقیه مذاکرات در سپتامبر سال آینده صورت گیرد شاید در این فاصله بر اثر مذاکرات مستقیم بین طرفین راه حلی برای اختلاف پیدا شود . ضمناً در این پیشنهاد توصیه شده بود در این فاصله طرفین اقدامی نکنند که حل مسئله را مشکل‌تر سازد .

این پیشنهاد از طرف نماینده ایران پذیرفته شد . نوری سعید وزیر خارجه عراق هم آنرا با اظهار تأسف از عدم حل قضیه قبول کرد . توفیق رشدی ارس وزیر خارجه ترکیه در تأیید نظر مخبر شوری و ترغیب بمذاکرات مستقیم گفت :

«ما با ایران نظیر این اختلاف را داشتیم و من برای حل اختلاف به تهران رفتم و بر اثر حسن نیت دولت شاهنشاهی ایران و توجه خاص شاهنشاه اختلاف رفع شد و امروز بهترین روابط را داریم . خوبست عراق هم این اقدام را بکند و بوسیله مذاکره مستقیم مطلب را حل نماید» نماینده شوروی نیز این نظر را تأیید کرد . در نتیجه گزارش و پیشنهاد نماینده ایتالیا باتفاق آراء بتصویب شورای جامعه ملل رسید .

۶ - آغاز مذاکره برای عقد عهدنامه سرحدی

نوری سعید پس از اینکه برای پیش بردن نظرات

عراق در جامعه ملل زمینه مساعدی نیافت تصمیم گرفت
باردیگر به ایران مسافرت کند شاید بوسیله مذاکره مستقیم
بتواند راهی برای خروج از این بن‌بستی که پیدا شده بود
بدست آورد بدینجهت در ژنو نمایندگی ایران رغبت خود
را برای این مسافرت اظهار نمود. دولت ایران با این تفاهم
که اگر عراق حاضر شود صورت مجلس های ۱۹۱۴ را اساس
مذاکره قرار ندهد با مسافرت او به ایران موافقت نمود و
در نتیجه نوری سعید در سیزدهم مردادماه ۱۳۱۴ با تفاق وزیر
دادگستری عراق و رئیس انگلیسی بندر بصره و چندتن دیگر
وارد تهران شد. لیکن در مدت اقامت در تهران باز حرفهای
سابق خود را تکرار مینمود و نزدیک بود مسافرتش به ایران
بدون نتیجه بماند تا اینکه روز آخر اقامت خود که برای
عرض خداحافظی حضور رضاشاه کبیر باریافته بود گفت عراق
حاضر است عملاً نظر ایران را در شطالعرب تامین کند و برای
جلوگیری از تصادم بین کشتیهای ایران و عراق بمیزان کافی
در حدود آبادان خط سرحدی را خط القعر (تالوگ) قرار
دهد. گرچه این راه حل کاملاً منافع ایران را تامین نمی نمود
ولی دولت ایران بادر نظر گرفتن اوضاع و احوال خاص
زمان انعقاد عهدنامه با این راه حل مخالفتی ننمود و این
مقدمه انعقاد عهدنامه سرحدی ۱۳۱۶ گردید.

پس از این موفقیت که نصیب نوری سعید شد دیگر
نیازی بتعقیب امر در جامعه ملل باقی نماند. وزیران خارجه
ایران و عراق شرحی بدبیر خانه جامعه نوشته و پیشنهاد تعویق
رسیدگی را نمودند که در جامعه مورد تأیید واقع شد و سرانجام
در ۲۷ اوت ۱۹۳۷ عراق رسماً شکایت خود را مسترد داشت.

پس از مراجعت نوری سعید به بغداد قرار بود بقیه
مذاکرات راجع به عقد عهدنامه جدید سرحدی بین ایران و
عراق در ژنو صورت گیرد. در ژنو بین وزیران خارجه دو
کشور گفتگوهائی شد و تصمیم گرفتند هیأتی از ایران به عراق
برود و مذاکرات لازم را با هیأت عراقی ادامه بدهند. هیأت
ایرانی به بغداد رفت ولی باز نوری سعید مشکل تازه ای بوجود
آورد یعنی اصرار ورزید که در مذاکره مربوط به شطالعرب
انگلیسها هم وارد باشند که البته برای ایران قابل قبول نبود
و هیأت ایرانی بعد از مدتی معطلی بعنوان اعتراض به تهران
احضار گردید.

در این زمان پیش آمدهای جهانی خصوصاً پیشرفتهای
ایتالیا در حبشه برای دولت انگلیس موجب نگرانی شده بود.
باینجهت در صدد برآمدند به ترتیب شده اختلافات سرحدی
ایران و عراق حل شود و ماموران انگلیس موقتاً از مداخله در
امور شطالعرب خودداری کنند این مطلب را هم بماموران
شاهنشاهی اطلاع دادند ولی دیری نگذشت که از فکر خود
عدول کردند و باز اصرار در مداخله مستقیم در امور شطالعرب
را از سر گرفتند.

نوری سعید که مدتی لزوم شرکت انگلیسها را در اداره
شطالعرب شفاهاً عنوان میکرد تصمیم گرفت موضوع را علنی
کند. باین جهت طی نامه مشروحه بشماره ۱۹۱۴ مورخ دوم
خرداد ۱۳۱۵ بوزیر مختار ایران در بغداد نوشت که « کمیسیون
سیرسفاین باید مرکب از سه عضو باشد و یگانه دولتی که در
این امر مصالح دارد دولت انگلیس است » در این نامه برخلاف

تعهداتی که در تهران نموده بود محدودیت‌هایی هم برای اعمال حقوق ایران در شط‌العرب پیشنهاد کرده و تقاضا نموده بود دولت شاهنشاهی کتبا نظر خود را در آن باره اظهار نماید.

در همین موقع که دولت شاهنشاهی مشغول تهیه پاسخ نامه نوری سعید بود وزارت خارجه انگلیس و سفارت انگلیس در تهران نیز با دولت شاهنشاهی تماس گرفتند و برای اینکه ایران جواب مساعدی بعراق بدهد توصیه‌هایی نمودند.

در تیرماه ۱۳۱۵ کاردار انگلیس در تهران به وزارت امور خارجه مراجعه و اظهار داشته بود دولت انگلیس اختلافات را بطریق زیر قابل تصفیه میدانند:

۱ - در مقابل آبادان لنگر گاهی به فراخور احتیاج بندر مزبور به ایران واگذار شود.

۲ - دولت انگلستان در مذاکرات و امضای قرارداد راجع به اداره مشترك شط‌العرب شرکت کند و نماینده در کمیسیون مختلط داشته باشد.

۳ - اختیارات کمیسیون محدود به ترتیب سیرسفاین بشود و در حفاری و پاک کردن و نگاهداری شط‌العرب بشرطی دخالت کند که دولت ایران هم قسمتی از نهر کارون و تمام مجرای بهمنشیر را تحت اختیار کمیسیون مذکور بگذارد.

جواب نامه مورخ دوم خرداد ۱۳۱۵ نوری سعید در وزارت امور خارجه تهیه شد و برای وزیر مختار ایران در بغداد ارسال گردید که حضورا تسلیم نماید ضمنا بوزیر مختار تاکید شد به نوری سعید حالی کند که ایران دست از حقوق حقه خود در شط‌العرب برنمیدارد و حاضر بشرکت دادن انگلیسها در اداره امور شط نیست.

سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد طبق دستور واصله اقدام ویادداشتی بشرح ذیل بوزارت خارجه عراق تسلیم نمود:

« آقای وزیر جناب آقای نوری سعید وزیر خارجه دولت پادشاهی عراق .

مراسله نمره س ۱۹۱۴ مورخ ۲۳ خرداد ۱۹۳۶ آن جناب راجع به ترتیب حل اختلافات زیب و وصول داد اکنون افتخار دارم عقیده دولت متبوع خود را در اینخصوص اعلام نمایم .

الف - دولت شاهنشاهی ایران بی اندازه شایق است که اختلافات سرحدی زودتر مرتفع شده و دوستی فیما بین براساس محکمتری استوار گردد فرمایشات اعلیحضرت همایون شاهنشاهی موقع تشریف جناب آقای وزیر امور خارجه عراق مبنی بر حل دوستانه مسائل که آنرا هم در مراسله محترم برخلاف مقصود تعبیر فرموده‌اید بهترین دلیل حسن نیت دولت ایران است بهمین جهت بود که در آذرماه ۱۳۱۴ هیئتی به

بغداد روانه شدند و تا ۲۹ فروردین سال جاری در آنجا توقف نمودند لیکن متاسفانه مذاکرات و اقدامات آنها بجائی نرسید و در مقابل رویه مساعدی که اختیار کرده بودند دولت پادشاهی عراق قدمی برای حل مشکلات پیش نگذاشت اکنون هم که مناسب دانسته‌اید نظرات طرفین روی کاغذ بیاید دولت شاهنشاهی مخالفتی ندارد اما باید متوجه بود که دولت ایران تا حصول موافقت قطعی حقوق خود را بنحوی که در مذاکرات و مراسلات سابق توضیح و در شورای جامعه ملل وصف شده محفوظ میدارد و مباحثات و مکاتبات جاریه و جهام‌الوجوه از اعتبار آنها نمیکاهد.

ب - حکمت تشکیل کمیسیون مختلط اداره شط العرب در این است که هر يك از دولتین مجاورتین مقررات خاصی که گاه ممکن است متباین باشند برای ترتیب و شرایط سیر سفاین وضع نکنند و پاك کردن و نگاهداری مجرای رودخانه را بنحوی که موجب تامين کشتیرانی بشود با موافقت هم انجام بدهند نهایت برای آنکه اختلاف نظر نمایندگان متساوی طرفین باعث تعویق کار نشود دولت شاهنشاهی رضایت داد که با موافقت یکدیگر عضوی هم از اتباع مملکت ثالثی در کمیسیون مختلط دعوت نمائیم بنابراین حقی برای دولت ثالث معین ایجاد نمیشود تا مستلزم موافقت و امضاء او در قرارداد اداره شط العرب باشد. بعلاوه در مراسله محترم عقیده دولت پادشاهی عراق را در باب تقاضای دولت انگلیس مرقوم فرموده‌اید و تنها قناعت به بیان آن کرده‌اید. دوستدار خیلی خوشوقت میشوم چنانچه نظر دولت عراق را راجع به تقاضای مذکور اعلام فرمایند.

ج - در فقره دوم مراسله کار کمیسیون مختلط را بدو نوع تقسیم فرموده‌اند:

۱ - تنظیم سیر سفاین.

۲ - پاك کردن و نگاهداری شط العرب.

پیشرفت وظایف کمیسیون را هم در قسمت دوم تابع دو امر کرده‌اید یکی آنکه اختیاراتی به کمیسیون داده شود تا تصمیمات فنی خود را از قوه به فعل در آورد. دوم اینکه مداخلاتی در چند میل ابتداء نهر کارون از تمام بهمن شیر داشته باشد.

دولت متبوع دوستدار موافق است که اختیاراتی مبنی بر تساوی حقوق طرفین برای ترتیب سیر سفاین و نگاهداری شط العرب به کمیسیون مختلط داده شود و حاضر است راجع بجزئیات آن مذاکرات را ادامه داده و هر نوع پیشنهادی را تحت مطالعه گذارد لکن مداخله کمیسیون مزبور در کارون و بهمن شیر که از انهار داخلی ایران است بهیچوجه قابل قبول نمیباشد.

در همین فقره اشاره فرموده‌اید که هر گاه دولت شاهنشاهی حاضر نشوند راجع بدو نهر اخیر الذکر اختیاراتی به کمیسیون بدهند دولت پادشاهی عراق مستقلاً با اداره شط خواهند پرداخت.

مقصود آن جناب از این جمله درست معلوم نشد البته هر يك از طرفین به اقتضای حقوق متساوی خود در شط العرب

میتوانند اقداماتی که منافی حقوق طرف دیگر نباشد در شط مزبور بعمل آورند اما چنانکه در مقدمه فقره (ب) توضیح شد ممکن است این رویه باعث بی ترتیبی سیر سفاین و نگاهداری رودخانه بشود بعلاوه مطابق احصائیه های بندر بصره متجاوز از ۸۵ درصد کشتیهاییکه وارد شط العرب میشوند منحصر با بنادر ما خاصه آبادان سروکار دارند و با این وصف و با حقوق مسلم ایران در شط مزبور چگونه ممکن است دولت شاهنشاهی راجع به تنقیه و نگاهداری آن بی علاقه بماند .

د - نظریات دولت متبوع دوستدار راجع به ترتیب کار شط العرب بقرار ذیل است و پس از آنکه عقیده موافق و قطعی دولت پادشاهی عراق نسبت با آنها معلوم گردید با کمال میل حاضر خواهند بود در باب خط سرحدی با نظر مساعد داخل مذاکره بشوند :

۱ - شط العرب برای عبور و مرور و توقف کشتیهای تجارتی تمام ممالک متساویاً و بدون هیچ تفاوتی همیشه باز باشد . حقوق و عوارض کشتیرانی متناسب با خدمتی که انجام میشود و به نسبت ظرفیت کشتیها و صرف نظر از ملیت و نوع و مقدار بار آنها اخذ گردد و مجموع عواید حاصله از این محل از حداکثر مخارج نگاهداری و اداره شط العرب در سال تجاوز نکنند .

۲ - تنظیم سیر سفاین و ترتیب پاک کردن و نگاهداری مجرای رودخانه بنحوی که دائماً آماده کشتیرانی باشد همچنین طرز وصول عوارض مذکور با موافقت نظر دولتین معین و مجری گردد و هیچکدام باستناد آنکه قسمتی از شط العرب

منحصراً اختصاص باو دارد نتواند مانع عملیات فنی راجع بدائر نگاهداشتن مجرای شط بشود و یا ترتیب کشتیرانی را مختل سازد .

۳ - جهازات نظامی و کشتیهای غیر تجارتی دولتین ایران و عراق بتوانند در هر موقع آزادانه و بدون پرداخت حقی در شط العرب عبور و مرور و توقف نمایند .

۴ - دو کشور همسایه متساویاً حق صید و استفاده صنعتی و فلاحتی از آب شط العرب را داشته باشند .

۵ - طرفین راجع باجرای مقررات صحی تشریک مساعی نموده و متعهد شوند برای جلوگیری از قاچاق و حفاظت سواحل خود با موافقت یکدیگر ترتیبی اتخاذ کنند تا تعلق قسمتی از شط العرب بیک طرف مانع از اجرای قوانین و استقرار امنیت در سواحل طرف مقابل نگردد .

ترتیبات فوق الذکر البته در قسمتی از شط العرب که فاصل دو مملکت است مجری خواهد شد . بانتظار جواب موقع را برای تقدیم احترامات فائقه مغتنم میشمارد .

۷ - امضای عهدنامه سرحدی ۱۳۱۶

ولی دلائل مستحکم و مقاومت شدید وزارت امور - خارجه نتوانست عراقیها را متقاعد بشناختن حقوق حاکمیت ایران در سراسر شط العرب سازد . از طرف دیگر موضوع عقد پیمان عدم تعرض بین دولت های منطقه در پیش بود و علاوه بر دولت انگلستان دولت ترکیه نیز مایل بود و اصرار میورزید که هر چه زودتر اختلافات سرحدی ایران



آثار استعمار در معاهده مرزی ۱۹۳۷ مشهود میگردند پس امضاء عهدنامه ۱۹۳۷ از طرف ایران از روی رغبت نبوده است. علت تن دادن ایران به عهدنامه مرزی ۱۹۳۷ همانطور که در بالا توضیح داده شد شرایط و اوضاع و احوال خاص بین المللی در آن زمان بود ولی با اینحال دولت ایران که برای ابراز کمال حسن نیت خود معاهده مزبور را امضاء نموده بود حاضر بود با وجود لطمات شدیدی که به حقوق ایران وارد میساخت مقررات آنرا اجرا نماید.

متاسفانه تجربیات سی و دو ساله نشان داد که این آمادگی ایران یکطرفه بوده و عراقیها حاضر نبودند حقوق ناچیزی را که به ایران داده شده بود رعایت کنند و بلافاصله پس از امضاء قرارداد با توسل به طفره و تعلل در اجرای مواد اساسی عهدنامه سعی کردند برخلاف نص صریح معاهده و پروتکل ضمیمه آن اداره شط العرب را در دست خود نگاهدارند.



و عراق حل شود و زمینه برای عقد پیمان عدم تعرض منعقد گردد. باینجهت بعد از مذاکرات مفصل در تهران و بغداد دولتین طرح عهدنامه ای را بر اساس عهدنامه ارض روم و پروتکل اسلامبول مورخ ۱۹۱۳ و صورت مجلس های تحدید حدود ۱۹۱۴ (که هیچوقت مورد قبول ایران نبود) تهیه کردند که هرچند در آن بملکیت ایران در شط العرب اعتراف نشده ولی حق حاکمیت مطلق عراق نیز شناخته نشده بود اما ایران با عراق در اداره شط و سیر سفاین حقوق متساوی یافت. این طرح در بغداد بوسیله وزیر خارجه عراق و وزیر مختار ایران پاراف شد و در تاریخ سیزدهم تیر ماه ۱۳۱۶ در تهران بوسیله دکتر ناجی الاصل و وزیر خارجه عراق و عنایت اله سمیعی وزیر خارجه ایران با امضاء رسید و متعاقب آن در تاریخ هفدهم تیر ماه یعنی بعد از چهار روز پیمان عدم تعرض بین ایران و عراق و افغانستان و ترکیه در کاخ سعدآباد امضاء شد و این همان عهدنامه است که بنام «پیمان سعدآباد» معروف است.

بطوریکه ملاحظه میشود دولت شاهنشاهی همواره معتقد بوده است که خط مرزی ایران و عراق در شط العرب باید تا امتداد خلیج فارس تالوگ باشد و این معنی از طرف مقامات مختلفه ایران طی يك قرن مذاکره همواره یادآوری شده است. از طرف دیگر از مطالعه مواد عهدنامه سرحدی ۱۳۱۶ و پروتکل ضمیمه آن معلوم است که قسمت عمده حقوق حاکمیت ایران در شط العرب تزییع گردیده بعلاوه در این عهدنامه رسماً بمقررات عهدنامه ۱۹۳۰ عراق و انگلیس که بموجب آن عراق عملاً تحت حمایت انگلیس درآمده بود اشاره شده و در نتیجه



پس از امضای عهدنامه سرحدی کابینه حکمت سلیمان در عراق سقوط کرد و دولت تازه‌ای برپاست جمیل المدفعی روی کار آمد. دولت جدید عراق نسبت به عهدنامه سرحدی روی موافق نشان نداد. بهانه این مخالفت ماده پنجم عهدنامه و ماده دوم پروتکل ضمیمه عهدنامه بود که در آنها بحقوق و منافع و آزادی سیرسفاین و اشتراک ایران در اداره شط تصریح شده بود. گرچه عراقیها در ظاهر مخالفتی ابراز نینمودند، اما در باطن روزنامه نویسه‌ها و نمایندگان مجلس و دستجات سیاسی را تحریک بمخالفت میکردند. بهمین جهت ایرادات زیادی در مجلسین عراق به عهدنامه گرفته شد ولی بالاخره عهدنامه سرحدی در پانزدهم اسفند ۱۳۱۶ با کثرت ۸۱ رأی موافق در برابر دو رأی مخالف در مجلس شورای ملی و روز بعد با کثرت چهارده رأی موافق در برابر دو رأی مخالف در مجلس سنای عراق بتصویب رسید و در تاریخ بیست و پنجم اسفندماه ۱۳۱۶ مجلس شورای ملی ایران نیز بآن رأی موافق داد و اسناد تصویب در تاریخ سی خرداد ۱۳۱۷ در بغداد بین وزیر خارجه عراق و وزیر مختار ایران مبادله گردید.

پس از اینکه عهدنامه سرحدی ۱۳۱۶ مراحل قانونی را طی کرد وارد مرحله اجرائی گردید عراقیها برای انجام مأموریت کمیسیون مشترکی که طبق این عهدنامه برای تحدید حدود خاکی تشکیل شده بود اشکال تراشی میکردند و در نتیجه دولت ایران هیئتی را که پس از انعقاد قرارداد بمرز اعزام شده بود احضار کرد و دیگر هرچه از طرف ایران برای تجدید کار کمیسیون اصرار بعمل آمد دولت عراق

فصل دوم

سی و دو سال سوء نیت عراق در عدم اجراء مواد مهم عهدنامه سرحدی ۱۳۱۶ و ماده دوم پروتکل

ضمیمه آن

۱- از تاریخ امضاء عهدنامه تا اشغال ایران بوسیله متفقین و پایان جنگ دوم جهانی

دولت عراق با اینکه بر اثر امضای عهدنامه سرحدی ۱۳۱۶ بموقفیت مهمی نائل شد و ایران از حقوق طبیعی و تاریخی خود در امتداد شط العرب تا خلیج فارس جز در قسمت خیلی جزئی مقابل بندر آبادان صرف نظر نمود معذالک هنوز مرکب امضای عهدنامه خشک نشده بود که شروع بابرار سوء نیت کرد و از همان اوائل کار از اجرای مواد مهم عهدنامه و پروتکل ضمیمه آن که حقوق ایران را در آزادی سیرسفاین و اشتراک در اداره شط العرب تأمین میکرد خودداری نمود.

حاضر به فرستادن مأموران خود نشد. در مورد اداره مشترك شطالعرب ایران میخواست طبق ماده دوم پروتکل قبل از انقضای مدت یکسال تکلیف سرحدات و اداره امور شطالعرب روشن شود ولی طرف حسن نیت ایران را نداشت و برعکس صرفه خود را در این میدید که این امر هر چه ممکن است بتأخیر افتد و این رویه را آنقدر ادامه داد تا مدت یکسال پیش بینی شده منقضی شد. باینجهت وزارت خارجه عراق در تاریخ ۱۲ ژوئن ۱۹۳۹ یادداشتی بشماره ۶۶۴ر۲۳۷ر۴ بسفارت شاهنشاهی فرستاد و طی آن اشعار نمود که:

«... چون مدت یکسال مندرج در ماده دوم پروتکل ضمیمه معاهده سرحدی که در تاریخ ۴ ژوئیه ۱۹۳۷ در تهران بامضاء رسیده قریباً منقضی خواهد شد این وزارتخانه تصور میکند که دولت شاهنشاهی مایلند که مدت مزبور تمدید شود لذا مناسب است که مدت مزبور از ۲۰ ژوئن ۱۹۳۹ تا یکسال دیگر تمدید شود ...»

دولت شاهنشاهی با اینکه میخواست همه اختلافات یکجا حل شود و قرارداد مربوط به اداره مشترك شطالعرب بین ایران و عراق هر چه زودتر منعقد گردد معذک با پیشنهاد تمدید یکسال موافقت کرد.

نکته قابل توجه آنستکه نوری سعید نخست وزیر وقت عراق در ۱۹۳۹ در مجلس سنای عراق طی نطق مشروحی درباره عهدنامه سرحدی ۱۹۳۷ اظهار داشت که از روز اول با انعقاد این عهدنامه موافقت نداشته است. بعد از این نطق که در جراید منتشر شد و سروصدای تازه ای براه افتاد وزارت

امور خارجه شاهنشاهی طی دستور العمل مشروحی وزیر مختار ایران را در بغداد مأمور کرد بانوری سعید ملاقات کند و علت اینگونه حرفها و کارشکنیها را از او توضیح بخواهد.

وزیر مختار ایران طبق دستور وزارت امور خارجه بانوری سعید ملاقات و مذاکره کرد لیکن نتیجه ای حاصل نشد.

اصولاً با شروع جنگ بین الملل دوم و اشغال ایران از طرف ارتش متفقین ناگزیر اقدامات ایران نزد عراق برای اجرای مواد مهم عهدنامه سرحدی ۱۹۳۷ متوقف شد.

۲- رفتار عراق پس از پایان جنگ دوم جهانی

پس از پایان جنگ و رفع بحرانیهای ناشی از آن دولت شاهنشاهی اقدامات خود را نزد دولت عراق برای حل مسائل مرزی و بخصوص مسئله اداره مشترك شطالعرب (موضوع مواد ۳ تا ۵ عهدنامه) از سرگرفت و وزارت امور خارجه در تیر ماه ۱۳۲۷ ضمن یادداشتی به سفارت عراق در تهران تذکار داد که دولت عراق بموجب ماده دوم پروتکل ضمیمه عهدنامه ۱۳۱۶ بایستی هر شش ماه یکبار دولت شاهنشاهی را در جریان اقداماتی که در شطالعرب بعمل میآورد گذاشته باشد و فقط تا سی و یکم مارس ۱۹۴۰ جریان امر را بطور ناقص اطلاع داده اند.

اینک متن یادداشت مذکور ذیلا نقل میشود:

«وزارت امور خارجه شاهنشاهی با اظهار تعارفات خود بسفارت پادشاهی عراق احتراماً توجه آنسفارت پادشاهی

را بانعقاد قرارداد راجع بکشتیرانی و سایر امور مربوط بشطالعرب واعزام کمیسیون نشانه گذاری در مرز ایران و عراق موضوع مواد سه و پنج عهدنامه مرزی ۱۳۱۶ بین دولتین ایران و عراق معطوف میدارد .

بطوریکه استحضار دارند در ۳۰ خرداد ۱۳۱۷ که عهدنامه مزبور بین دولتین مبادله گردید مکاتبات زیادی بین مقامات مربوطه دولتین بمنظور انجام ماده های سه و پنج عهدنامه بعمل آمد لکن نظر به اوضاع و احوال غیر عادی انجام هر دو موضوع که نتیجه عهدنامه ۱۳۱۶ است بموقع مناسب موکول گردید . چندی قبل چون مانعی برای انجام کار بنظر نمیرسید بوسیله سفارت شاهنشاهی در بغداد به وزارت امور خارجه عراق شفاهاً و کتباً برای اجرای مواد سه و پنج عهدنامه مرزی ۱۳۱۶ مراجعه گردید و از طرف وزارت امور خارجه عراق نیز استقبال شده است .

با جلب نظر آن سفارت پادشاهی بتعویقی که در این چند سال در انجام امر بعمل آمده از آن سفارت پادشاهی خواهشمند است بمنظور تسریع در کار بمقامات مربوطه دولت شاهنشاهی مراجعه نمایند تا مقدمات امر هرچه زودتر فراهم و اجرای مواد سه و پنج عهدنامه پیش از این بتعویق نینجامد .

در خاتمه توجه آنسفارت پادشاهی را باین نکته معطوف میدارد که دولت پادشاهی عراق بموجب ماده ۲ پروتکل ضمیمه عهدنامه ۱۳۱۶ بایستی هرشش ماه یکمرتبه دولت شاهنشاهی را در جریان اقداماتی که در شطالعرب بعمل آید گذارده باشند و فقط تا ۳۱ مارس ۱۹۴۰ جریان امر را اطلاع

داده اند که راجع بنواقص آنهم مکاتباتی شده است . در این باب نیز وزارت امور خارجه انتظار دارد از طرف سفارت پادشاهی عراق برای ارسال گزارشهای معوقه اقدام سریعی بعمل آید .

وزارت امور خارجه شاهنشاهی امیدوار است از نتیجه اقدامات ملاطفت آمیز آن سفارت پادشاهی هرچه زودتر استحضار حاصل نماید .

در همین موقع موضوع در مجلس شورای ملی ایران نیز مطرح شد و آقای متین دفتری نماینده آذربایجان از دولت سؤال کرد با اینکه جنگ بین الملل دوم خاتمه یافته است چه اقدامی برای اجرای عهدنامه سرحدی ۱۳۱۶ بعمل آمده است . متن سؤال مزبور ذیلا درج میشود :

« بموجب عهدنامه سرحدی منعقد بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت پادشاهی عراق مورخ ۱۳ تیر ماه ۱۳۱۶ و پروتکل ضمیمه آن خط سرحدی بین دولتین اصلاح گردیده حق استفاده از تمام مجرای شطالعرب برای دولتین شناخته شده و مقرر گردیده است برای تأمین منافع مشترك طرفین در کشتیرانی شطالعرب قراردادی راجع بنگاهداری و بهبود راه کشتیرانی و حفاری و راهنمائی و عوارضی که باید اخذ شود و تدابیر صحی و اقداماتی که باید برای جلوگیری از قاچاق بشود و همچنین کلیه مسائل راجع به بحر پیمائی در شطالعرب بین ایران و عراق منعقد گردد و کمیسیونی مرکب از نمایندگان دولتین کشتیرانی شطالعرب را اداره نمایند .

بطوری که در مسافرت اخیر در خوزستان مشاهده نمودم متأسفانه اثری از این قرارداد مشهود نیست و شط العرب عملاً در دست مأمورین دولت عراق است.

عوارضی را که مطابق عهدنامه فوق‌الذکر باید به مصارف نگاهداری و قابل کشتیرانی بودن یا بهبودی راه کشتیرانی و مدخل شط از طرف دریا تخصیص داده شود خودشان میگیرند و مأمورین ایران در اداره شط العرب دخالتی ندارند.

شط العرب از دوره صفویه بین ایران و عثمانی موضوع بحث و گفتگو بوده و در دوره قاجاریه که تجاوزات دولت عثمانی نسبت به شط العرب شدت یافت دول روس و انگلیس بعنوان وساطت مداخله کردند و منتهی بعهدنامه ارض‌روم و پروتکل استانبول سال ۱۹۱۳ و عملیات کمیسیون تحدید حدود گردید که خاتمه آن مصادف با آغاز جنگ بین‌الملل اول بود و تمام این جریانات بضرر ایران صورت گرفت و مانع حق حاکمیت ما در شط العرب بوده است.

بعداز جنگ که امپراتوری عثمانی منحل شد دولت جدیدالتشکیل عراق خود را وارث دولت عثمانی دانسته و از عهدنامه و پروتکل سابق‌الذکر میخواست استفاده نماید لکن دولت شاهنشاهی که در آن اوقات شروع بکسب قدرت نموده بود و از تحمیلات و امتیازات خارجی که مخالف استقلال و تمامیت ما بوده است تا اندازه‌ای خلاصی یافته بود زیر بار نرفت و پروتکل‌های مرزی را که بفشار دول میانجی امضاء شده بود رد کرد و حقاً عنوان نمود که شط العرب رودخانه‌ای

است میان دو کشور و باید بوسیله دو دولت اداره شده و عواید آن صرف آبادی و نگاهداری مجری و مدخل آن بشود.

اختلاف بین دولتین به جامعه ملل کشید و پس از گفتگوهای طولانی عاقبت رجال مصلح عراق حقانیت و منطق دولت ایران را تصدیق و اصل اداره رودخانه میان دو کشور را از طرف اولیای هر دو کشور قبول نمودند غیر از اینهم از يك دولت دوست و همسایه و هم کیش انتظار نمیرفت و عهدنامه سرحدی دولتین در سال ۱۳۱۶ بسته شد و بشرح فوق‌الذکر مقرر گردید که شط العرب بوسیله کمیسیون مشترك اداره بشود و درآمد حاصل از عبور و مرور کشتیها در آنجا بمصرف عمران شط برسد.

پس از امضای عهدنامه جدید دولت عراق اصرار داشت قبل از تصویب آن در مجالس مقننه طرفین تغییری در آن داده شود بمنظور اینکه يك دولت ثالث خارجی را در اداره شط العرب شریک نماید لکن دولت شاهنشاهی با این نظر موافقت نکرد و مقاومت نمود تا اینکه عهدنامه در مجلس ایران و عراق تصویب شد و طبق مقررات پروتکل ضمیمه عهدنامه تا یکسال قرارداد راجع بخصوصیات اداره شط العرب بوسیله دولتین منعقد بشود و هرگاه باوجود بذل مساعی طرفین قرارداد در ظرف مدت یکسال بامضاء نرسد این مهلت تجدید میشود و تا انعقاد این قرارداد دولت عراق موقتاً امور مربوط بشط را بعهدہ بگیرد و هرشش ماه یکمرتبه دولت شاهنشاهی را در جریان کارهائی که انجام یافته و جوهری که گرفته شده و مخارجی که بعمل آمد و هر نوع اقدام

دیگری که مجری شده بگذارد این تعهد را دوسه بار هم انجام داده‌اند تا اینکه وقایع شهریور ۱۳۲۰ پیش آمد و بر اثر اختلال امور و ضعف دولت ایران در زمان جنگ عهدنامه در قسمت اداره مشترك شط العرب مسکوت و بالنتیجه حاکمیت مسلم ما در شط العرب که راه ارتباط بین رودخانه کارون و دریای آزاد است و بطور کلی از لحاظ موقعیت جغرافیائی برای ایران اهمیت حیاتی دارد متوقف مانده است. قطع نظر از مسئله حاکمیت شط العرب از نظر مالی برای ما کمال اهمیت را دارد زیرا مقدار درآمدی که فعلاً کشتیهای وارد به بندر ایران مخصوصاً کشتیهای نفت کش عاید بندر بصره میشود معتنابه است.

سؤال اینجانب از آقای وزیر امور خارجه این است: با اینکه نزدیک سه سال است جنگ بین المللی خاتمه یافته در این مدت چرا در تعقیب اجرای عهدنامه سرحدی ایران و عراق اقدام نشده و اگر اقدام شده نتیجه آن چه بوده است و مسئولین این غفلت و خطای بزرگ را که اگر بزودی جبران نشود مسئله شط العرب با گذر زمان نظیر مسئله بحرین خواهد شد معرفی فرمایند.

باین سؤال از طرف آقای نوری اسفندیاری وزیر خارجه وقت پاسخ داده شد و طی آن یادآوری گردید که:

«... بعد از عقد عهدنامه سرحدی از دولت عراق فقط دو گزارش در باب شط رسیده که چون دارای نواقصی بود در همان اوقات از طرف وزارت امور خارجه نسبت بآنها اظهاراتی شده است. طبق عهدنامه ۱۳۱۶ دو کار باید صورت

گیرد یکی اینکه قرارداد اداره شط العرب میان دولتین امضاء شود و دیگر اینکه کمیسیونی برای نشانه گذاری از طرفین بمرز برود. هر دو موضوع مورد توجه و علاقه وزارت امور خارجه میباشد و در تهران با سفارت دولت پادشاهی عراق مشغول مذاکره و مکاتبه است که سریباً اقدام به عقد قرارداد و اجرای عهدنامه بشود. با سفارت شاهنشاهی در بغداد هم دستور مؤکد داده شده که در آنجا نیز مذاکرات لازم را تعقیب و در انجام اینکار اهتمام و جدیت لازم بنمایند.»

دولت شاهنشاهی برای اینکه نظر خود را صریحاً درباره نحوه اداره مشترك شط العرب بیان کرده باشد طرحی بمنظور اجرای مقررات پیش بینی شده در ماده چهارم و پنجم عهدنامه سرحدی و ماده دوم پروتکل ضمیمه آن تسلیم نمود. این طرح بانضمام یادداشت مورخ ۱۵/۱۱/۱۳۲۸ از سفارت شاهنشاهی در بغداد بوزارت خارجه عراق فرستاده شد که متن آن ذیلا نقل میشود:

« بمنظور اجرای مقررات پیش بینی شده در مواد ۴ و ۵ عهدنامه سرحدی که در تاریخ ۱۳ تیر ماه ۱۳۱۶ مطابق ۴ ژوئیه ۱۹۳۷ بین دولتین ایران و عراق منعقد گردیده است و در تائید ماده ۲ پروتکل ضمیمه عهدنامه مزبور دولتین متعاهدین نسبت بقرارداد زیر موافقت حاصل نمودند:

ماده ۱ - شط العرب بطور متساوی برای کشتیهای بازرگانی تمام ملل باز خواهد بود. ناوها و کشتیهای غیر تجارتنی دولتین ایران و عراق حق استفاده کامل از شط العرب دارند و ناوها و کشتیهای غیر بازرگانی سایر دول با اجازه

کتبی دولتین متعاهدین میتوانند وارد شط العرب شوند .

ماده ۲ - شط از آخر آبهای دریائی تا نقطه ایکه ایران و عراق کنار شط واقع شده اند تحت نظارت کمیسیون شط قرار می گیرد .

اختیارات کمیسیون شط تا حدود بنادر بوده و شامل عملیات محافظت در مقابل مد دریا در هر يك از کرانه ها - اسکله ها - باراندازها و سایر ابنیه بنادر فعلی یا بنادریکه ممکن است در آتیه بوجود آید نمیشد .

ماده ۳ - کمیسیون شط از چهار نفر تشکیل که دو نفر از طرف ایران و دو نفر از طرف عراق برای مدت دو سال انتخاب میشوند و ریاست کمیسیون در هر سال بنوبت بانمایند یکی از دولتین خواهد بود هر يك از دولتین متعاهدین میتوانند در هر موقع هر يك از نمایندگان خود را احضار نموده و اشخاص دیگری بجای آنها اعزام دارند .

تصمیمات کمیسیون باتفاق آراء اتخاذ و نمایندگان هر يك از دولتین متعاهدین دارای رأی خواهند بود . کمیسیون آئین نامه های مورد لزوم را تنظیم و برای اجراء ابلاغ مینماید و در صورت لزوم مجاز است در آئین نامه های خود تجدید نظر نماید .

ماده ۴ - مقر کمیسیون و اداره شط در قسمتی از شط العرب که زیر نظر کمیسیون اداره میشود با موافقت طرفین قرارداد خواهد بود .

ماده ۵ - کمیسیون شط دارای شخصیت حقوقی میباشد و برای کشتیها و مؤسسات خود دارای پرچمی بزمینه سفید و لنگر سبز خواهد بود . تصمیمات کمیسیون که در حدود اختیارات پیش بینی شده در این قرارداد اتخاذ میشود برای هر دو کشور لازم الرعایه خواهد بود .

ماده ۶ - کمیسیون شط موظف است در مدت دو سال از تاریخ مبادله نسخ مصوب این قرارداد مقررات لازمه جهت کشتیرانی در شط و همچنین امور راهنمایی و روشنائی و حفاری و میزان عوارض را تعیین کند و تا تنظیم و اجرای مقررات فعلی شط قابل اجرا خواهد بود .

ماده ۷ - کمیسیون سرویسهای ادارای و فنی و مالی و غیره را جهت انجام وظایف ناشیه از این قرار داد دائر خواهد نمود .

کمیسیون اختیار نامحدود در استخدام و عزل و همچنین حقوق و پاداش و سایر شرایط استخدامی کارمندان خود خواهد داشت .

کارمندان سرویسهای مربوطه از اتباع هر دو طرف بالسویه تعیین خواهند شد .

ماده ۸ - میزان عوارضی که از کشتیها اخذ میشود از روی ظرفیت غیر خالص ثبت شده و به تناسب آبخور آنها تعیین میگردد و در هیچ موردی عوارض از روی نوع یا مقدار کالای محموله دریافت نخواهد گردید . اخذ عوارض و همچنین اجرای مقررات مربوط بعبور و مرور و توقف

بدون در نظر گرفتن ملیت کشتیها معمول خواهد گردید.

از کشتی‌های دولتی طرفین که در خدمت ارتش - گمرک - بندر - پلیس بهداری و غیره مشغول هستند هیچگونه عوارضی اخذ نخواهد شد و کشتیهای دولتی که داخل در فعالیت بازرگانی میشوند مشمول پرداخت عوارض کشتیرانی خواهند بود و نیز کشتیهای باری دولتی متعاقد که ۱۵۰ تن ظرفیت داشته باشند از پرداخت عوارض معاف و در صورت تجاوز از مازاد ۱۵۰ تن عوارض دریافت میگردد.

ماده ۹ - حقوق و عوارض بفرانک طلا تعیین و طرز تبدیل فرانک طلا بارز از طرف کمیسیون معلوم خواهد گردید.

ماده ۱۰ - علاوه بر عوارض مندرجه در ماده ۸ این قرارداد عواید دیگر کمیسیون عبارتست از :

الف - وجوه حاصله از جرائم و وجوهی که در نتیجه رأی هیئت رسیدگی در اثر تخلفات دریائی پرداخت میشود .

ب - وجوه حاصله از خدمات انجام شده .

ماده ۱۱ - عواید کمیسیون صرف پرداخت هزینه و سرویسهای مختلف و حقوق اعضاء کمیسیون و کارمندان آن و اجرای تعهدات ناشیه از این قرارداد جهت انجام وظائف محوله میگردد و چنانچه مازادی از عواید باقی بماند بمصرف بهبود وضع شط و تکمیل وسائل کشتیرانی خواهد رسید . عایدات و دارائی کمیسیون مشمول هیچگونه مالیات نخواهد بود .

ماده ۱۲ - کمیسیون هر سال گزارش جامعی از

عملیات خود و صورت کامل و مشروحتی از حسابها باتفکیک و جوه دریافتی و پرداختی بانضمام صورت دارائی و مطالبات و بدهی خود جهت اطلاع در ظرف سه ماهه اول سال بعد بدولتین متعاقد تسلیم خواهد نمود .

ماده ۱۳ - کمیسیون شط مجازاست طبق آئین نامه متخلفین از مقررات ماده ۶ این قرارداد را بجزای نقدی یا انضباطی یا هر دو محکوم نماید .

ماده ۱۴ - عملیات حفاظت و علامت گذاری و لارویی راه شط که تحت نظارت کمیسیون شط قرار دارد بطوری انجام خواهد شد که بحقوق دولتین و افراد کنار شط و بحسن جریان امور بنادر فعلی و یا بنادری که بعدا احداث شود لطمه وارد نیآورد و در صورت حدوث خسارت جبران آن بعهده کمیسیون خواهد بود .

ماده ۱۵ - کشتیها - ساختمانها - انبارها - مصالح و تجهیزات لازمه جهت اجرای وظایف محوله کمیسیون که از این قرارداد ناشی گردیده و فعلا در تصرف بندر بصره است باین کمیسیون منتقل خواهد گردید .

ماده ۱۶ - دولتین متعاقد موافقت مینمایند که کلیه اختلافاتی را که در موضوع اجراء یا تفسیر این قرارداد پیش بیاید و تصفیه اختلافات مزبور بوسائل عادی و سیاسی ممکن نگردد بشرح زیر بدآوری ارجاع نمایند .

هریک از دولتین بلافاصله پس از تصویب این قرارداد و مبادله نسخ مصوب آن یکی از اتباع خود را بدآوری انتخاب

خواهد نمود داوران مزبور در مدت پانزده روز پس از وصول تقاضای یکی از دولتین متعاقد قضیه متنازع فیها را مورد بررسی قرار داده و در ظرف مدت یکماه حکم خود را صادر و بطرفین ابلاغ خواهد نمود چنانچه داوران نتوانند مورد اختلاف را در مدت معینه بالا حل و فصل نمایند دولتین متعاقد یک نفر از اتباع دولت ثالثی را بعنوان سر حکم انتخاب خواهند نمود و چنانچه دولتی نتواند در مدت پانزده روز راجع بانتخاب حکم ثالث موافقت کند در این صورت سر حکم بنا به تقاضای دولتین ایران و عراق یا یکی از آنها از طرف رئیس دیوان بین المللی داد گستری انتخاب خواهد گردید. حکم داوران قطعی و برای طرفین الزام آور است.

عراقیها علیرغم اصرار و تعقیب سفارت شاهنشاهی در پاسخ دادن باین طرح تاخیر میکردند و با اینکه در این فاصله عبدالله ولیعهد و نایب السلطنه عراق باتفاق وزیر خارجه آن کشور از ایران رسماً دیدن نمود و انتظار میرفت با این مسافرت تکلیف کمیسیون اداره شطالعرب روشن شود نتیجه ای حاصل نگردید تا اینکه بعداً از مدتی قریب یکسال و سه ماه و نیم طی یادداشت شماره ۴۸۷۴۶۷۵ مورخ ۱۵/۷/۱۹۵۰ پیشنهاد متقابل از وزارت خارجه عراق تسلیم سفارت شاهنشاهی در بغداد شد و طی آن برخلاف نص عهدنامه سرحدی ۱۳۱۶ پیشنهاد نموده بودند که اختیارات کمیسیون اداره شطالعرب باید جنبه مشورتی داشته باشد نه اجرائی و معلوم بود که غرض از این پیشنهاد علاوه بر ظفره و تعلل در اجرای عهدنامه سرحدی ادامه سوء استفاده از عواید شطالعرب و حفظ تأسیساتی بود که در بندر بصره از درآمد شط ایجاد کرده بودند

دولت عراق از یکطرف با تصرفات یکطرفه در امور شطالعرب واستنکاف از دادن صورت حساب درآمد و مصارف شط و کارشکنی و اشکال تراشی در تشکیل کمیسیون اداره شطالعرب و کمیسیون نشانه گذاری سرحدی عملاً عهدنامه ۱۳۱۶ را کان لم یکن میپنداشت و از طرف دیگر هر جا که منافع او اقتضا میکرد بهمان عهدنامه استناد می جست. مثلاً در سال ۱۳۳۳ پس از سقوط حکومت مصدق که دوباره رفت و آمد کشتیهای نفت کش در شطالعرب شروع شد دولت عراق یادداشتی بسفارت شاهنشاهی در بغداد نوشت و مبلغ ۱۳۸/۹۲۶ دینار عراقی بابت عوارض کشتیهای ایرانی که از شطالعرب عبور کرده اند مطالبه نمود. یادداشت دیگری هم در تعقیب آن فرستاد و ضمن تکرار مطالبه عوارض تخلفاتی را هم بجهازات ایرانی هنگام عبور از شط نسبت داد که در هر مورد از طرف سفارت پاسخ لازم داده میشد و مواد عهدنامه سرحدی ۱۳۱۶ بعراقیها خاطر نشان میگردد.

۳ - بعد از پیمان بغداد

این وضع همچنان ادامه داشت و حتی بعد از الحاق ایران به پیمان بغداد (۱۹۵۵) که انتظار میرفت حسن نیتی از طرف عراقیها در راه حل اختلافات مربوط بامور سرحدی و شطالعرب مشهود شود همین وضع ادامه داشت و تقاضای دولت شاهنشاهی برای شروع مذاکرات مستقیم بدون دخالت شخص ثالث همانطور بلا جواب میماند.

در شورای وزیران پیمان بغداد که در سال ۱۹۵۷ در

کراچی تشکیل گردید مذاکراتی بین آقای دکتر اقبال نخست وزیر ایران و نوری سعید نخست وزیر وقت عراق برای رفع اختلافات موجود صورت گرفت. در آنجا نمایندگان عراق پیشنهاد نمودند یک نفر سوئدی تعیین گردد که از لحاظ فنی با کمیسیون تحدید حدود همکاری نماید. این پیشنهاد مورد موافقت ایران قرار گرفت و در تعقیب آن یادداشت‌هایی بین دولتین مبادله گردید و بالاخره سفارت شاهنشاهی در بغداد طی یادداشت مشروح شماره ۴۱۰ مورخ ۱۰/۶/۳۶ نظر قطعی دولت شاهنشاهی را بشرح ذیل با اطلاع دولت عراق رسانید:

۱- حکمی از اتباع دولت سوئد و یا عنداللزوم از طرف دیوان دادگستری بین المللی لاهه تعیین خواهد گردید که با مأموران فنی دو کشور فقط در موضوع میله گذاری سرحدی همکاری نماید.

۲- در اختیار نامه‌ای که از طرف دولت شاهنشاهی و دولت پادشاهی عراق بحکم مزبور داده میشود تصریح خواهد گردید که حدود اختیارات حکم منحصر بسرحدات خاکی و میله گذاری است آنهم فقط در حدود قرارداد سرحدی ۱۳۱۶ و پروتکل‌های ۱۹۱۳ و ۱۹۱۴ و بهیچوجه مأمورین فنی دو کشور و همچنین حکم مزبور مجاز نخواهند بود راجع بموضوعاتی که صراحتاً در قرارداد ۱۳۱۶ و پروتکل‌های نامبرده ذکر نشده وارد مذاکره گردد و یا اظهار نظری بنماید.

۳- حق الزحمه حکم مشترك بتساوی از طرف دولتین ایران و عراق پرداخت خواهد گردید.

۴- دولتین ضمن نامه‌ای که مبادله خواهد گردید تعهد مینمایند برای انعقاد قراردادی بمنظور اداره امور شط العرب کمیسیون مختلطی مقارن با تشکیل کمیسیون میله گذاری سرحدات خاکی تعیین و باتوافق یکدیگر طرح قرارداد اداره امور شط العرب را بر پایه تساوی حقوق در کلیه شط حداکثر در ظرف مدت شش ماه تهیه و بتصویب مقامات مربوطه دولتین برسانند.

۵- دولتین ضمن نامه‌ای که مبادله خواهد گردید بالصراحه تعهد خواهند نمود که موضوعات مختلف پیش بینی شده در قرارداد سرحدی ۱۹۳۷ و پروتکل‌های ۱۹۱۳ و ۱۹۱۴ و موضوع قرارداد اداره امور شط العرب را غیر قابل تفکیک دانسته و هرگاه موضوعات مختلف فیه مورد موافقت واقع شد ولی نسبت بیک یا چند موضوع اعم از شط العرب یا قسمت سرحد خاکی توافق حاصل نگردید کلیه موضوعاتی که مورد موافقت بوده از درجه اعتبار ساقط است و طرفین نمیتوانند در هیچ مرجعی بآنها استناد نمایند.

در خاتمه یادداشت از دولت عراق خواسته شده که هیاتنی برای تعیین برنامه کار که حاوی نکات بالا خواهد بود هرچه زودتر تعیین و بتهران اعزام نمایند.

ولی باتمام وعده‌هایی که نوری سعید در کراچی داده بود وزارت خارجه عراق باشکال تراشی خود ادامه میداد و کاری از پیش نمیرفت تا اینکه ملک فیصل دوم پادشاه عراق بایران آمد و مذاکراتی در تهران برای رفع اختلافات بین ایران و عراق صورت گرفت. در این فرصت وزیر خارجه

وقت آقای دکتر اردلان نامه‌ای بشماره ۶۷۹۴ مورخ ۲۸/۸/۱۳۳۶ به آقای ممتاز دفتری کفیل وقت وزارت خارجه عراق نوشت و تقاضا نمود مطالب ذیل مورد تأیید دولت عراق قرار بگیرد:

۱- درباره شطالعرب طبق عهدنامه ۱۳۱۶ مذاکراتی بین طرفین صورت بگیرد و برای اداره امور شطالعرب قراردادی منعقد نمایند.

۲- در خصوص میله‌گذاری مرز از دولت سوئد تقاضای معرفی حکم بشود و هیاتهای طرفین بمعیت حکم سوئدی برای میله‌گذاری بمرز بروند.

۳- موافقت‌های مربوط بشطالعرب و مرز خاکی باید یکجا عملی شود.

ممتاز دفتری طی نامه مورخ ۲۸/۸/۱۳۳۶ (۲۸/۱۰/۱۹۵۷) مطالب مزبور را تأیید نمود و وعده داد در نزدیکترین فرصت برای حل مسائل معوقه اقدام نماید.

باوجود تمام وعده‌هایی که ملک فیصل و همراهانش در سفر تهران داده بودند وزارت خارجه عراق همچنان از اقدام جدی برای حل اختلافات شانه خالی میکرد و با اینکه دولت سوئد حکمی را طبق قراری که گذاشته شده بود معرفی نمود عراقیها در جواب طفره رفتند و پس از ماهها تاخیر بمعاذیری اورانپذیرفتند و موضوع را بدفع‌الوقت میگذرانند و بالاخره در اثر اصرار دولت ایران نسبت به یک حکم سوئدی بین طرفین توافق شد و دولت شاهنشاهی در سال ۱۳۳۷ هیات نمایندگی خود را برای مذاکره با عراقیها تعیین نمود و

ظاهرا مانعی برای شروع مذاکرات و حل قضیه وجود نداشت لیکن در همین ایام یعنی در تاریخ چهاردهم ژوئیه ۱۹۵۸ انقلاب عراق پیش آمد و رژیم جمهوری در آن کشور حکمفرما شد و در نتیجه کمیسیون و مسئله حکمیت معوق ماند.

۴- تیرگی روابط دو کشور بعد از انقلاب عراق

پس از اینکه رژیم عراق تغییر کرد و عبدالکریم قاسم زمام امور عراق را در دست گرفت از همان روزهای اول معلوم بود که امیدی بمذاکره و حل اختلافات بادولت جدید وجود ندارد. مقالات جراید و رادیو عراق که همه در جهت مخالف ایران بود همچنین رفتاری که با اتباع ایران در عراق میشد و مزاحمتهایی که در شطالعرب برای ایران ایجاد میکردند روز بروز روابط دو کشور را تیره‌تر میساخت. معذک دولت شاهنشاهی هر وقت فرصتی بدست می‌آورد موضوع اجرای عهدنامه سرحدی را با ولیای عراق خاطر نشان میساخت چنانکه در تاریخ سوم اکتبر ۱۹۵۸ در نیویورک مذاکراتی بین آقای علی اصغر حکمت وزیر امور خارجه ایران با عبدالجبار جوهرد وزیر خارجه عراق برای رفع اختلافات صورت گرفت و وزیر خارجه عراق وعده‌های مساعدی داد لیکن این وعده مانند سایر مواعید گذشته هرگز لباس عمل نپوشید.

وزارت امور خارجه در اواخر اکتبر ۱۹۵۸ یادداشتی بسفارت عراق در تهران فرستاد و طی آن اشعار نمود:

«... موجب تاسف است که بعضی از مامورین دولت جمهوری عراق بدون توجه به هدف مشترک در گوشه و کنار دست به اقداماتی زده‌اند که موجب تشدید سوء تفاهماتی

گردید که از دولت سابق باقی مانده بود .

در این یادداشت خاطر نشان شده بود که :

« از تاریخ انعقاد موافقتنامه های ۱۹۱۳ و ۱۹۳۷ سالهای متمادی گذشته و با وجود تعهد رسمی بر تنظیم پروتکل تکمیلی و باینکه دولت شاهنشاهی مکرر برای انجام آن مراجعه نموده است نه فقط دولت سابق عراق تعهدات توجیهی بآن ننموده بلکه دولت جمهوری عراق نیز تقریباً همان رویه را پیش گرفته و این امر مهم را که در روابط دو کشور پایه و اساس محسوب میشود به بعد موکول فرموده اند . »

در خاتمه یادداشت هم تصریح شده که : « دولت شاهنشاهی باردیگر تمایلات شدید خود را به رفع این مسائل معوقه بر از میدارد و چون دولت شاهنشاهی نمیتوانست استیفای حقوق و منافع مسلم خود را بیش از این بتأخیر اندازد امیدوار است که دولت جمهوری عراق تا پانزدهم آبانماه کمیسیون خاص خود را برای رسیدگی بمسائل مرزی و امور شطالعرب تشکیل و بدولت شاهنشاهی معرفی فرمایند تا با حضور حکم مشترك که مورد توافق واقع شده است مسئله نصب علائم مرزی و سایر امور انجام شود . در خاتمه ناگزیر است باطلاع آن دولت برساند که هرگاه تا تاریخ مذکور دولت جمهوری عراق باز هم اقدامی در این باب ننمایند دولت شاهنشاهی ایران کلیه حقوق خود را برای اقداماتی که جهت استیفای منافع خود لازم میداند محفوظ میدارد . »

در نوامبر ۱۹۵۸ سفارت شاهنشاهی در بغداد تذکاریه ای در تعقیب یادداشت فوق تسلیم وزارت خارجه عراق نمود و

شروع مذاکره برای حل اختلافات بین دولتین را خواستار گردید بدین ترتیب که دزبارة مرزهای خاکی نصب علائم سرحدی طبق پروتکل ۱۹۱۳ و صورت جلسات ۱۹۱۴ بوسیله کمیسیون مختلط و اجرای رای حکم سوئدی در موارد اختلاف تحت شرایط معین و در مورد شطالعرب اجرای مفاد عهدنامه ۱۹۳۷ و پروتکل آن جهت تشکیل کمیسیون مختلط برای اداره امور شط باهمان شرایطی که دولت شاهنشاهی پذیرفته است (یعنی نصب علائم و ترتیب اداره شطالعرب باید توأماً و بصورت غیر قابل تفکیک بانصب علائم مرزی در آن واحد) انجام پذیرد .

وزیر خارجه عراق بکاردار موقت ایران که برای تسلیم تذکاریه فوق باوی ملاقات نموده بود اظهار داشت افکار عمومی در عراق آماده برای این کار نیست و از اینکه در یادداشت وزارت امور خارجه شاهنشاهی برای تشکیل کمیسیون تعیین وقت شده است گله نمود . با این ترتیب بار دیگر عراقیها از اجرای مقررات عهدنامه سرحدی ۱۹۳۷ سر باز زدند .

در این موقع با اینکه از دو طرف سفیر فرستاده شد و انتظار میرفت در روابط دو کشور بهبود حاصل شود بر اثر سوء سیاست عراقیها و بی ثباتی که در دستگاه دولت عراق حکم فرما بود نه تنها وضع بهتر نشد بلکه روابط دو کشور به تیرگی گرائید .

۵ - بندر خسروآباد و کشتیهای شرکت ایران - پان آمریکن

در سال ۱۹۳۷ يك بندر نفتی در ساحل شرقی

شط العرب در محل خسرو آباد از طرف شرکت نفت ایران و انگلیس احداث شده بود که دارای تاسیسات و باراندازهای لازم بود این بندر تا سال ۱۹۵۱ برای صدور نفت مورد استفاده قرار میگرفت و ماهیانه حدود بیست کشتی نفت کش در آنجا بارگیری میکرد. پس از ملی شدن صنعت نفت در ایران این بندر بعنوان يك پایگاه مورد استفاده واحدهای نیروی دریائی و گارد گمرک قرار گرفت.

در اوئل سال ۱۳۳۸ (۱۹۵۹) شرکت ایران - پان آمریکن با کسب موافقت مقامات دولت شاهنشاهی تصمیم گرفت که از این بندر بعنوان پایگاه وسائل حفاری استفاده کند و اداره گمرک نیز بهمین منظور بتاسیس يك دفتر گمرک در آنجا اقدام نمود ولی پس از اینکه نخستین کشتی پان آمریکن بمقصد خسرو آباد بدهانه شط العرب رسید مقامات عراقی ببهانه اینکه هنوز خسرو آباد يك بندر رسمی ایران شناخته نشده از صدور اجازه ورود آن بشط خودداری کردند. مقامات شرکت پان آمریکن بداره کل بنادر مراجعه نمودند و گزارش در این باره توسط اداره مزبور بوزارت امور خارجه واصل گردید. طبق دستور وزارت امور خارجه از سفارت شاهنشاهی در بغداد یادداشتی بشرح ذیل بوزارت خارجه عراق فرستاده شد و باین عمل که نموداری از سوء نیت عراق بود شدیداً اعتراض گردید. رونوشت یادداشت مذکور بشرح ذیل است:

شماره ۳۲۸ مورخ ۳۵/۳/۱۳۳۸

سفارت کبرای شاهنشاهی ایران در بغداد باهداء

تعارفات خود بوزارت امور خارجه دولت جمهوری عراق در تعقیب یادداشتهای خیلی فوری ... احتراماً باستحضار میرساند که متأسفانه تاکنون بیادداشتهای این سفارت کبری پاسخی نداده اند و بقرار اطلاع واصل از مقامات وابسته شاهنشاهی علیرغم فوریت امر و معطلی کشتیهائی در دهانه شط العرب بانتظار دستور و خسارات سنگین که در نتیجه این اقدام وارد میگردد هنوز دستور قطعی در این باره بادارات پرت بصره نرسیده و اداره مزبور همچنان در منع کشتیها از عبور بمقصد خسرو آباد باقیست.

طبق قرارداد منعقد بین دولتین اعلام موضوع فقط جنبه اطلاع دارد و اداره پرت بصره صلاحیت اتخاذ تصمیم یا مخالفت در این موارد را ندارد لذا دولت شاهنشاهی ایران این رفتار مقامات عراقی را یکنوع عدم رعایت نسبت بحقوق سایرین و بی اعتنائی به تعهدات بین المللی تلقی نموده و آنرا مخالف روابط دوستانه موجوده بین دو کشور همسایه میدانند و نسبت بآن اعتراض دارد و حقوق قانونی خود را در این مورد محفوظ میدارد. سفارت کبرای شاهنشاهی از آن وزارت محترم خواهشمند است لطفاً اقدام خیلی فوری بعمل آورند که دستور قطعی تلگرافی باداره پرت بصره صادر گردد که بکشتیهای موجود در دهانه شط العرب اجازه دهد هر چه زودتر بمقصد خسرو آباد حرکت کنند.

معدلك دولت عراق از شناسائی رسمی بندر خسرو آباد و صدور اجازه ورود کشتیهای شرکت ایران - پان آمریکن بمقصد بندر مذکور خودداری میکند. مقصود عراق از این عمل خلاف عهدنامه و خلاف مقررات بین المللی از یکطرف

تثبیت صلاحیت اداره بندر بصره در امور شطالعرب بود و از طرف دیگر میخواست حق داشتن بندر را برای ایران در شطالعرب به خرمشهر و آبادان منحصر سازد.

مبادله یادداشت اعتراضیه از طرفین ادامه داشت. عراق ادعا میکرد شطالعرب ملك او است ولی دولت شاهنشاهی با استناد بمواد عهدنامه سرحدی ۱۹۳۷ مکرراً مراتب ذیل را بدولت عراق خاطر نشان میساخت:

۱- طبق عهدنامه سرحدی هر دو دولت در شطالعرب حقوق متساوی در کشتیرانی دارند و در عهدنامه مذکور برای اداره مشترك امور شط انعقاد قراردادی پیشبینی شده است بنابراین اگر عراق در تنظیم چنین قراردادی تعلل و تاخیر روا داشته موجب آن نخواهد بود که دولت شاهنشاهی از حقوق مسلم خود استفاده نکند.

۲- نظر بوجود حق متساوی در شطالعرب برای طرفین استفاده هر طرف از حقوق خود منوط با اجازه طرف دیگر نیست.

۳- ادعای عراق بر اینکه وجود اسکلهها و بارانداز-های خسروآباد در آبهای عراق واقع شده تغییر یکجانبه از عهدنامه سرحدی است زیرا در عهدنامه تصریح شده که تغییر خط مرزی از تالوگ و وسطالمیاه بآبهای جزری مانع استفاده ایران از تمام شط نیست.

۴- ایجاد تاسیسات بندری و اسکله و بارانداز لازمه طبیعی استفاده کامل از حق متساوی کشتیرانی در شطالعرب و موافق با مقررات حقوق بینالمللی است.

۵- در هیچیک از مواد عهدنامه نه بدولت عراق حق انحصاری در تاسیس لنگرگاه در ساحل شط داده شده و نه ایران از تاسیس اسکله و بارانداز منع شده است.

ولی دلایل منطقی ایران مورد قبول مقامات عراقی واقع نشد باینجهت کشتیهای شرکت ایران - پان آمریکن بوسیله نیروی دریائی اسکورت میشد و اقدام عراق برای جلوگیری از حق مکتسب ایران در استفاده از بندر خسروآباد که از سالها قبل مورد استفاده مقامات ایرانی بوده بجائی نرسید و اصولاً معلوم نشد تشبثات عراق برای جلوگیری از عبور کشتیهای ایرانی بر چه پایه و اساس بوده است.

بطور خلاصه عمال دولت عراق در هر حال چه در دوران سلطنت هاشمی و چه بعد از انقلاب و تشکیل حکومت جمهوری نسبت بعهدنامه مرزی ۱۳۱۶ بخصوص در باره شطالعرب رفتاری با ایران در پیش داشتند که حاکی از سوء نیت مستمر آنها بود و این روش غیردوستانه متأسفانه هنوز هم ادامه دارد.

۶ - بندرداری آبادان

با اینکه بموجب عهدنامه ۱۳۱۶ (۱۹۳۷) دولت شاهنشاهی ایران در اداره شطالعرب با دولت عراق حقوق متساوی دارد معذلك عراقیها عمل بندرداری یعنی پهلو دادن کشتیها را به اسکله و جدا کردن کشتیها را از اسکله در کلیه بنادر شطالعرب خودشان انجام میدادند و حتی این رفتار را نسبت به کشتیهای هم که به بنادر ایران و به آبهای ایران وارد میشدند اعمال مینمودند.

این موضوع در سال ۱۳۳۹ (۱۹۶۰) مورد توجه دولت شاهنشاهی قرار گرفت و بموجب تصویبنامه هیئت وزیران مقرر شد اداره کل بنادر و کشتیرانی عمل بندرداری آبادان را راساً انجام دهد.

چون در این موقع روابط دو کشور رو به بهبودی میرفت تصمیم گرفته شد این اقدام طوری عملی شود که موجب تیرگی مجدد روابط نگردد باینجهت مذاکراتی در بغداد بین سفارت شاهنشاهی و وزارت خارجه عراق همچنین در بصره بین مدیر کل بنادر ایران و مدیر کل بندر بصره آغاز گردید. ولی دولت عراق بدستاورز قرار می که مدعی بود بین بندر بصره و کنسرسیوم نفت ایران گذاشته است حاضر بموافقت با این امر نبود. باینجهت دولت شاهنشاهی تصمیم گرفت از تاریخ پنجم شهریور ۱۳۳۹ (اوت ۱۹۶۰) عمل بندرداری آبادان توسط اداره کل بنادر ایران انجام گیرد و اداره مذکور در تاریخ اول شهریور بکلیه نمایندگان گیسهای کشتیرانی در خرمشهر اعلام نمود که از تاریخ پنجم شهریور باید از بندر داران ایران استفاده نمایند. از طرف کنسرسیوم نیز شرح لازم به اداره بندر بصره نوشته شد که در آتیه عمل بندرداری آبادان را دولت ایران راساً بعهده خواهد گرفت. لیکن اداره بندر بصره بلافاصله اعلامیه ای صادر نمود و کمپانیهای کشتیرانی را بر حذر داشت و آنها را تهدید به تعقیب قانونی نمود. وزارت خارجه عراق هم در بغداد از سفارت شاهنشاهی تقاضا نمود فعلاً از انجام این امر خودداری نمایند. در تاریخ ۲۸/۸/۱۳۳۹ (اکتبر ۱۹۶۰) یادداشتی از طرف سفارت شاهنشاهی در بغداد تسلیم دولت عراق گردید

که قسمتی از آن ذیلاً نقل میشود: « بطوریکه اولیای امور آن وزارت محترم استحضار دارند اداره کل بنادر ایران قصد داشت از تاریخ پنجم شهریور ۱۳۳۹ امور بندری آبادان را که تاکنون بدون موافقت دولت شاهنشاهی ایران در دست مامورین بندر بصره بود خود اداره کند ولی بنا بر تقاضای دولت جمهوری عراق و بملاحظه روابط دوستانه با آن دولت موافقت نمود که اجرای آن تصمیم را برای مدت کوتاهی موقوف گذارد. اکنون که مدتی از آن تاریخ میگذرد و دولت جمهوری عراق فرصت کافی برای هرگونه مطالعه ای که در این باب لازم میدانست داشته است دیگر موجهی برای تاخیر در اجرای این امر باقی نیست. باتوجه باینکه این موضوع صرفاً داخلی و جزء حق حاکمیت دولت شاهنشاهی ایران بود و اصولاً بهیچوجه مستلزم مذاکره قبلی با دولت جمهوری عراق نبود و دولت شاهنشاهی ایران فقط بخاطر حسن روابط با جمهوری عراق مهلتی در اجرای تصمیم خود قائل شده است اینک اعلام میدارد که اداره کل بنادر ایران در آتیه نزدیک که روز قطعی آن بزودی تعیین خواهد شد کارهای بندر آبادان را خود بعهده خواهد گرفت و از مامورین بندر بصره انتظار کمال همکاری را دارد.» دولت عراق در پاسخ این یادداشت بمعاذیری متشبه شد و موضوع را مربوط باختلافات قدیمی ایران و عراق در شطالعرب دانست. سفارت شاهنشاهی در بغداد اظهارات وزارت خارجه عراق را طی یادداشت جوابیه رد کرد و مجدداً تصریح نمود که امر بندرداری آبادان با اختلاف ایران و عراق درباره شطالعرب ارتباطی ندارد و دولت شاهنشاهی تصمیم

دارد امر بندرداری آبادان را مانند خرمشهر را سا اداره نماید. در این یادداشت علاوه شده که «... سفارت کبری استناد آن وزارت محترم را در این مورد بماده پنجم عهدنامه ۱۳۱۶ (۱۹۳۷) و ماده دوم پروتکل الحاقی آن وارد نمیداند و دولت شاهنشاهی در موارد عدیده تذکر داده است که دولت عراق بتعهدات ناشیه از مواد مزبور عمل ننموده است و چون دولت شاهنشاهی انتظار دارد که عنقریب دولتین برای حل این اختلاف وارد مذاکره خواهند شد لذا در اینجا از شرح وتفصیل آن خودداری میکند...»

سفیر ایران در بغداد طبق دستور دولت با وزارت خارجه عراق مذاکرات خود را ادامه میداد و متذکر میگردد که دولت شاهنشاهی سابقا هم عمل بندرداری آبادان را راسا انجام میداده و امر بندرداری در آبهای ایران ناشی از حق حاکمیت ایران و یک امر داخلی است. بعلاوه نه کنسرسیوم و نه اداره بندر بصره هیچکدام از نظر قضائی صلاحیت مذاکره و موافقت درباره عملی که باید در کشور دیگری انجام گیرد و جزء حقوق حاکمیت آن کشور میباشد نداشته اند و این موضوع ابدا ربطی با مواد عهدنامه سرحدی ۱۳۱۶ ندارد... ولی عراقیها در لجاجت اصرار میورزیدند.

دولت شاهنشاهی که از مذاکره با عراقیها نتیجه ای بدست نیاورد تصمیم گرفت از تاریخ ۲۷/۱۱/۱۳۳۹ (فوریه ۱۹۶۱) عمل بندرداری آبادان را راسا انجام دهد ولی این بار نیز اداره بندر بصره مانع شد و از دادن راهنما به کشتیهائی که از شط قصد عبور داشتند خودداری نمود و گرچه کنسرسیوم هم نظر دولت شاهنشاهی را تأیید نمود و اطمینان داد که

بندرداران ایرانی از عهده وظیفه خود بخوبی برمیآیند اداره بندر بصره تغییری در مخالفت و کارشکنی نداد.

نتیجه این شد که رفت و آمد کشتیها به بندر آبادان دچار وقفه گردید و صادرات نفت تصفیه شده ایران متوقف شد و هرچه سفیر ایران در بغداد کوشش کرد عبدالکریم قاسم و دولت عراق را متوجه واقعیت امر و حقوق مسلمه ایران در شطالعرب و در آبهاییکه طبق عهدنامه سرحدی ملک ایرانست بنماید دست از لجاجت برنداشتند و با این عمل خلاف صریح عهدنامه سرحدی خسارات زیادی که حدود سی میلیون دلار تخمین شد بایران وارد کردند. ناچار اجازه داده شد بندرداران عراق کماکان راهنمائی کشتیها را در شطالعرب عهده دار باشند تا همانطور که دولت عراق وعده داده بود کلیه اختلافات مرزی یکجا حل و فصل شود.

فصل سوم

اعلام تالوگ بعنوان خط مرز بین ایران و عراق در شط العرب

۱ - بیانات شاهانه

مزاحمت‌هایی که عراقیها برای اتباع ایران در شط العرب و در مرزهای خاکی کشور ایجاد میکردند علیرغم تذکرات پیاپی و اعتراضات سفارت شاهنشاهی در بغداد همچنان ادامه داشت و هرگونه کوششی برای بهبود وضع بی نتیجه می ماند.

در تاریخ شنبه هفتم آذرماه ۱۳۳۸ (نوامبر ۱۹۵۹) در یک مصاحبه مطبوعاتی شاهنشاه آریامهر در پاسخ مدیر مجله خوشه فرمودند:

« ما در سابق راجع بشط العرب قراردادهائی بسته بودیم که هیچوقت از طرف دولت عراق رعایت و دنبال نشد.

ما بکرات پیشنهاد کرده ایم که در این باره مذاکره کنیم متأسفانه این پیشنهادها بجائی نرسید ولی طبیعی است که يك رودخانه که مرز بین دو کشور است در قرن بیستم نمیتواند یکطرفه مورد استفاده و یا منطقه اعمال حق حاکمیت یکطرف قرار گیرد. و چطور ممکنست ایران قبول کند که از حقی که امروز از جانب همه ملل دنیا شناخته شده است در مورد خود صرف نظر کند... ما سیاست استعماری دولت عراق را در این مورد بهیچوجه نمیتوانیم بپذیریم ولی امیدوار هستیم که این دولت دوستی ما را مغتنم بشمارد و همانطور که صحبت شده است و متذکر شده ام راه دوستی با ما را انتخاب کند و نه فقط باختلافات گذشته خاتمه دهد بلکه کاری کند که ما بهترین روابط همسایگی را باهم برقرار کنیم چون غیر از استقلال و سعادت برای مملکت عراق چیزی نمیخواهیم و وقتی که ما دارای چنین نظری باشیم حقیقتاً جای تأسف خواهد بود که آن دولت از این حسن نیت ما استفاده نکند.»

۲ - اظهارات سرلشکر عبدالکریم قاسم

متأسفانه دولت عراق بجای اینکه از حسن نیت شاهنشاه آریامهر و تذکرات ذی قیمت معظم له و اطمینانی که بتحکیم روابط دوستانه دو دولت و علاقه ایران باستقلال و سعادت مملکت عراق در این مصاحبه بیان فرمودند استفاده کند نه تنها دست از روش غیردوستانه خود برداشت بلکه رادیوها و جراید آن کشور و مقامات رسمی سخنانی گفتند که بکلی غیرمنتظره و غیرمعقول بود.

از جمله سرلشکر عبدالکریم قاسم رئیس دولت عراق

در تاریخ ۱۲۲۲/۱۹۵۹ طی يك مصاحبه مطبوعاتی در خصوص روابط ایران و عراق اظهاراتی بشرح ذیل نمود:

« ... عهدنامه ۱۹۳۷ (۱۳۱۶) بر اثر فشار به عراق تحمیل شده و دولت عراق بقدر پنج کیلومتر از شطالعرب را به همسایه خود بخشید و این بخشش بود حق مکتسب نبود. پنج کیلومتر در مقابل آبادان فقط برای این منظور بخشیده شد که از طرف شرکتهای نفت مورد استفاده قرار گیرد و آنها از پرداخت مالیات بعراق خلاصی یابند. عراق در موقعی که وضع بخرنجی داشت و تحت تاثیر عوامل فشار پنج کیلومتر بایران بخشید و در این باره ایران مستحق نبود ولی عراق امیدوار بود که مسائل مرزی حل شود. لیکن مسائل مرزی مثل سایر مسائل تاکنون حل نشده و اگر این مسائل در آینده حل نشود ما در موضوع بخشش این پنج کیلومتر پای بند نخواهیم بود و آنرا بمادر میهن بازخواهیم گرداند ... »

۳- اظهارات وزیر امور خارجه ایران در مجلس شورای ملی

این اظهارات عبدالکریم قاسم که حاکی از نیات غیردوستانه رئیس دولت عراق و نشانه نقض عهدنامه سرحدی و پای بند نبودن عراق بحقوق متساوی و حقوق مکتسبه دولت شاهنشاهی در شطالعرب بود عکس العمل شدیدی در محافل سیاسی و مطبوعاتی و مجلسین ایران ایجاد نمود و مقامات ایران را متوجه ساخت که اصرار بیش از این بدولت عراق برای عمل بعهدنامه ۱۹۳۷ با این اظهارات غیردوستانه و مایوس کننده رئیس آن دولت کاریست بیهوده و بی نتیجه و چرا باید در پای بندی بعهدنامه ای که عملاً از طرف دولت عراق نقض شده

و کان لم یکن پنداشته شده بیش از این اصرار نمود؟ باینجهت آقای عباس آرام وزیر امور خارجه وقت در تاریخ ۱۸/۹/۱۳۳۸ (دسامبر ۱۹۵۹) نطق مشروحي در مجلس شورای ملی ایراد نمود و پس از بیان تاریخ اختلافات ایران و عراق و رفتار غیر دوستانه و خلاف قانون عراق بعد از امضای عهدنامه سرحدی ۱۳۱۶ اعلام داشت که بموجب همین عهدنامه « که تمام منافع و حقوق حقه ایران را تامین نمی کرد » حق متساوی ایران نسبت باستفاده کامل از شط و اداره امور آن بصریح ترین وجهی تصدیق شده است و با وجود یادآوری و تذکرات و پافشاری مداوم دولت شاهنشاهی در تسلیم طرح قرارداد اجرائی عهدنامه بدولتهای عراق دولتهای وقت عراق با معاذیر غیرموجهی به طفره و دفع الوقت گذرانیده و هیچگاه بوعده های مکرری که جهت اعزام هیات نمایندگان خود به ایران برای فیصله امر داده بودند عمل نکرده اند و اداره شط را یکجانبه و بطور غیرقانونی در دست نگاهداشته اند و جوهی را که طبق نص صریح عهدنامه باید با نظر طرفین منحصرأً صرف نگاهداری و بهبود راه کشتیرانی در شطالعرب بشود دولت عراق یکجانبه دریافت میدارد و قسمت عمده آنرا بمصارف دیگری میرساند که بهیچوجه به کشتیرانی در شطالعرب مربوط نیست و با اینکه ایران میتواند انصافاً مدعی شود که چون بیش از ۷۵٪ عواید کشتیرانی در شطالعرب را ایران تامین میکند و بهمین نسبت اختیار اداره شطالعرب باید بدست ایران باشد معذلك باز هم برای اثبات حسن نیت خود در این مسئله حیاتی قناعت کرده باینکه طبق مقررات عهدنامه و تعهدات عراق حق متساوی خود را اعمال کند و اداره امور

شط را بيك هيات مشتركى ايرانى و عراقى بسپارد متاسفانه با اين همه حسن نيت نه تنها دولت عراق حاضر با احترام حق مسلم ايران نشده بلکه مخصوصاً از تاريخ استقرار رژيم كنىونى روز بروز موانع و مشكلات تازه اى براى ما در شط العرب ايجاد گرديده است .

آقاى عباس آرام علاوه نمود كه « تحمل و بردبارى ايران حدى دارد » و ادامه رويه دولت عراق ما را مجبور خواهد كرد كه در روش خود تجديد نظر كنيم و براى حفظ حقوق و منافع خود اقداماتى را كه لازم ميدانيم بعمل آوريم زيرا رويه دولت عراق از تاريخ انعقاد عهدنامه تا بحال دليل بارز بى اعتنائى آنها به تعهدات بين المللى و همچنين نقض عهدنامه مورد بحث ميباشد بعلاوه بر طبق اصول حقوق بين المللى در مورد رودخانه هاى كه بين دو كشور جريان دارد خط مرزى آنها يا وسط الميه است و با خط القعر و در هيچ جاى دنيا وضع مشابهى يافت نميشود كه يك رودخانه قابل كشتيرانى بعظمت شط العرب بين دو كشور جارى باشد و اختيار استفاده از عوايد آن فقط در دست يك طرف باشد .

آقاى آرام در خاتمه اظهار داشت كه :

« با كمال صراحت اعلام ميدارم كه دولت شاهنشاهى ايران چنانكه بارها بدولت عراق تذكر داده كلييه حقوق خود را در شط العرب محفوظ داشته و در اعمال آن مصمم است . علاوه براين ايران در رسيدگى بمطالبات گذشته كمال پافشارى را بخرج خواهد داد و در احقاق حق خود تدابير عملى لازم را اتخاذ نموده و نخواهد گذاشت كه هيچگونه

حقى از ملت ايران پايمال يا ضايع شود و مجدداً محض تأكيد تذكر اين نكته را ضرورى ميدانم كه دولت ايران جز خط تالوگ يعنى خط القعر هيچ ملاك ديگرى را براى تعيين خط مرزى شط العرب با حقوق خود و اصول مسلم بين المللى منطبق نميداند . »

فصل چهارم

اعلام بی اعتبار بودن عهدنامه سرحدی ۱۹۳۷

در اوایل سال ۱۹۶۱ مذاکراتی بین سفارت شاهنشاهی در بغداد و وزارت خارجه عراق برای رفع اختلافات معوق بین دو دولت صورت گرفت و قرار بود اختلافات معوقه با عقد قراردادی که بتصویب مقامات مقننه دو کشور برسد حل و فصل گردد و چون در آن وقت مجلس شورای ملی ایران تعطیل بود و عقد قرارداد بین دو کشور بر طبق قوانین اساسی ایران ممکن نبود و محیط مساعدی هم برای حل اختلافات دو کشور وجود نداشت وزارت امور خارجه در تاریخ ۳۱/۳/۱۳۴۰ - (مه ۱۹۶۱) طی یادداشتی به وزارت امور خارجه عراق اطلاع داد که «نظر به اوضاع و احوالی که پیش آمده و ... ناگزیر اجرای مقصود بتعویق میافتد - و در هر حال مترصد است تا همینکه شرایط و مقدمات امر از همه جهات فراهم و آماده گردید مراتب را باستحضار آن سفارت کبری برساند» متأسفانه روابط بین دو کشور و رفتار مقامات

عراقی طوری بود که هیچگاه شرایط و مقدمات امر برای انجام مذاکره بر اساس توافقی که قبلاً شده بود فراهم نگردید.

در تاریخ ۱۳۴۲/۱۲/۱۳ (فوریه ۱۹۶۴) صبحی عبدالحمید وزیر خارجه دولت بعثی احمد حسن البکر باتفاق وزیر وحدت عربی و چند تن از اعضاء عالیرتبه وزارت خارجه عراق برای مذاکره درباره مسائل مورد اختلاف دو کشور بایران آمدند و وعده‌هائی هم دادند لیکن باین وعده‌ها مانند مواعید گذشته وفا نکردند.

در سال ۱۳۴۴ (۱۹۶۵) که جنگ با کردها در عراق شدت یافته بود تجاوزات نیروهای هوایی و زمینی عراق بمرزهای ایران روزافزون شد و در یکی از این تجاوزات دو نفر از درجه‌داران ایران شهید شدند. این رفتار غیر دوستانه و تعویق و تعللی که در رفع اختلافات مرزی از طرف عراق مشهود بود افکار عمومی را در ایران سخت برانگیخت و نمایندگان مجلس و مطبوعات طی مقالات و نطقهای خود شدیداً بر رفتار عراقیها حمله می‌کردند و از دولت میخواستند که حدی برای تجاوزات و عهدشکنی‌های عراقیها قائل شوند. باینجهت آقای آرام وزیر امور خارجه نطقی در مجلس سنا ایراد کردند و طی آن بار دیگر اعلام نمودند که عراقیها با رفتار خود قرارداد را بطور یکجانبه نقض و فسخ کرده‌اند و دولت شاهنشاهی نیز آنرا نقض شده تلقی می‌کند.

۱- اظهارات وزیر امور خارجه در مجلس سنا (دسامبر ۱۹۶۵)

متن قسمتی از نطق آقای عباس آرام وزیر امور خارجه وقت ذیلاً نقل میشود:

« دولت شاهنشاهی به پیروی از نیت صلحجویانه شاهنشاه آریامهر و نظر به علائق دیرینی که با عراق و ملت آن داریم همواره کوشیده است اختلافات و مسائل ناشیه از این وقایع ناگوار را دوستانه حل و فصل نماید. ضمنا در هر مورد اولیای دولت عراق را به عواقب اینگونه تجاوزها متوجه سازد ولی تذکرات و اقدامات از مجاری سیاسی بطوریکه باین حوادث بطور قطع پایان داده شود موثر واقع نگردیده است بنابراین میتوان چنین نتیجه گرفت که دولت عراق یا قادر نیست یا نمیخواهد که به این ماجراهای اسف انگیز خاتمه دهد. عراق باید فکر کند که دولت شاهنشاهی تا چه حد میتواند صبر و تحمل داشته باشد. روش بردباری و مسالمت اندازه‌ای دارد و ممکن است کار بجائی بکشد که تدارک آن بسیار مشکل باشد اگر دولت شاهنشاهی تاکنون جانب رعایت و دوستی را نگهداشته اجازه بفرمائید که شمه‌ای از علل آن را در اینجا عرض کنم گرچه شاید محتاج بتوضیح نباشد و خانمها و آقایان سناتور محترم از علل رعایت و علاقه ایران به عراق و قوف کامل داشته باشند.

ما با عراق بیش از هزار و دویست کیلومتر مرز مشترك داریم در سراسر نواحی شرقی فرات آثار فرهنگ و تمدن ایران بارز است هر دو ملت مسلمان هستند عتبات عالیات و مشاهد مشرفه ائمه اطهار در عراق واقع است آثار پیشماری از عظمت و هنر و صنعت و نبوغ ایران در عراق برپا ایستاده است. ایرانیان نه تنها در روزگاران قدیم بلکه امروز هم از کوشش در راه آبادانی عراق و تعمیر بقاع متبرکه و ساختن قبه و ضریح عتبات و زیارت قبور ائمه اطهار

کوتاهی نمیکنند همه ساله صدها هزار ایرانی به زیارت نجف و کربلا و سایر مشاهد مشرفه میروند و از این راه بمیزان معتناهی به اقتصادیات عراق کمک میشود. صدها هزار ایرانی به عشق ائمه اطهار در نجف و کربلا و کاظمین و سامره و بغداد و بصره و سایر بلاد عراق سکونت کرده‌اند و کلیه نیروهای مادی و معنوی خود را برای عمران و آبادی عراق بکار میبرند. هر جا قبه و بارگاه یا مدرسه و یا عمارتی عالی بچشم میخورد اثر فکر و دست و مال ایرانی در آن مشهود است. اگر کوشش ایرانیان در تاسیس دولت و تمدن عباسی نبود یا در همین قرن علما و مجاهدان ایرانی در سال ۱۳۳۹ هجری قمری مطابق ۱۹۲۰ مسیحی در راه استقلال عراق مساعی خود را تا حد جانبازی بکار نمیبردند امروز عراق نمیتوانست به گذشته خود چنین مغرور و مفتخر باشد اینها را که بطور تذکار عرض کردم فقط نمونه‌ای بود و سناتورهای محترم بتفصیل استحضار دارند.

متاسفانه دولت عراق بجای حق شناسی و استفاده از مساعدت همسایه شرقی خلاف را بر وفاق ترجیح داده است در صورتیکه نمیتواند انکار کند که اگر مملکت خیرخواه و نیرومندی چون ایران در جوار او نبود مشکل بود بتواند امنیت و استقرار خود را حفظ کند.

در اظهارات مقامات رسمی عراق گاهگاه اظهار تمایل به روابط نزدیکتر و صمیمانه‌تر با ایران دیده میشود ولی باوجود این اظهارات در جای دیگر به ایراد مطالبی و اقدام به عملیاتی میپردازند که درست خلاف آن اظهارات

را ثابت میکند و طبیعی است که از این تضادها و ضدونقیضها برای دولت شاهنشاهی که صمیمانه خواهان روابط دوستانه و برادرانه با ملت عراق است حاصلی مترتب نمیشود. اینجانب مایل نیستم که اظهارات تحریک آمیز مقامات رسمی عراق را در این مجلس محترم تکرار و شماره کنم آقایان سناتورهای محترم خود کاملاً از آن استحضار دارند برعکس به مقتضای سیاست روشن و خیرخواهانه و صلحجویانه ای که به رهبری شاهنشاه آریامهر تعقیب میشود افتخار دارم در این مکان مقدس این حقیقت را تکرار کنم که ایران برای عراق چیزی جز استقلال کامل و امنیت و استقرار و ثبات و رفاه مردم آن نمیخواهد ما به عهد و موثیق خود با عراق و با همه دول متعاقد با ایران پای بند هستیم ولی اجازه نمیدهیم که دیگران از روش دوستانه و مسالمت آمیز ما سوء استفاده کنند. قرارداد ۱۳۱۶ را درباره مرزهای دو کشور و شط العرب همه میدانند که در چه موقع منعقد گردیده است و دولت شاهنشاهی همواره در صدد بوده و هست که این ظلم را از طریق مذاکره با عراق جبران نماید.

جالب اینجاست که همسایه ما دائم از استعمار سخن میگوید و از مظالم و غارتگریهای استعمار داد سخن میدهد حتی در مورد روابط ایران و عراق از زمان استعمار یاد میکند و مینالد. اجازه میخواهم لااقل در این مورد با شکوههای همسایه خود همصدا شویم ما هم شکایت داریم که این قرارداد ظالمانه در همان موقع تهیه و به ایران تحمیل شده است. بارها گفته ایم و اعلام داشته ایم که این قرارداد عادلانه نیست و منافع ایران را تامین نمیکند و در دنیا سابقه ندارد

که يك رودخانه مرزی مشترك بين دو کشور فقط به یکی از دو طرف اختصاص داده شود و با وجود همه اینها عراق از روی منتهای بی انصافی و بی اعتنائی به تعهدات خود مواد همین قرارداد را هم در مورد تعهدات خود اجرا نکرده است و نه تنها از انعقاد قراردادی که بموجب ماده پنج برای اداره امور مشترك شط پیش بینی شده بود سر باز زده بلکه در مدت ۲۸ سال که از عمر این قرارداد میگذرد عواید شط را بمیل خود در راه مصارفی سوای آنچه قرارداد مقرر داشته خرج کرده سهل است برخلاف نص صریح قرارداد از ارسال صورت حساب به دولت ایران نیز خودداری نموده و باین ترتیب با رفتار خود در حقیقت قرارداد را بطور یکجانبه نقض و فسخ کرده است و دولت شاهنشاهی نیز آنرا نقض شده تلقی میکند. با وجود همه این مراتب که هر يك بخودی خود و بتنهائی بمین بی اعتنائی عراق به تعهدات بین المللی و مخصوصاً ناسازگاری با ما است همانطور که شش سال قبل خود بنده در مجلس شورای ملی رسماً اعلام کردم ما حاضریم برای اثبات منتهای حسن نیت خود با دولت عراق وارد مذاکره شده و قرارداد دیگری که منافع طرفین را بطور منصفانه و عادلانه تامین کند جانشین این قرارداد نقض شده سازیم. ما مکرر در مکرر صادقانه این پیشنهاد را کرده ایم ولی دولت عراق با معاذیر و بهانه جوئی طفره رفته و در مورد این قرارداد که یادگار زمان استعمار یعنی همان چیزی که دائم از مظاهر آن مینالد و تمام بدبختیهای خود را از آن میدانند حاضر به شنیدن حرف حساب و حق نشده است.

در سال ۱۳۴۰ که دولت شاهنشاهی در صدد برآمد

هدایت کشتیها را به اسکله آبادان در آبهای ایران بوسیله راهنمایان ایرانی انجام دهد چنان مشکلاتی بوجود آوردند که منجر به خسارت میلیونها لیره به ایران گردید که توضیح آن موجب ملال خاطر خانمها و آقایان سناتورها خواهد شد. اما در مرزهای بری دو کشور نیز تجاوز از طرف عراق مستمر است چنانکه در ابتدای عرایض خود يك نمونه تاسف آور آنرا بسمع خانمها و آقایان سناتورها رساندم. تحریکات دیگر مرزی در جنوب و سم-پاشیها و تبلیغات سوء جراید و رادیو بغداد را هم لابد استحضار دارند و احتیاجی به تذکر نیست علاوه بر اینها با اتباع ایران در عراق بدرفتاری میشود. در مورد حقوق مکتسبه ایرانیان که قرنها است در عراق دارا میباشند سختگیری میشود. برای اجازه اقامت و کار و استملاک ایرانیان مشکلاتی ایجاد میکند. برای مدارس ایرانی که بخرج دولت شاهنشاهی و با معلمین ایرانی اداره میشود انواع تضییقات را فراهم میآورند. اتباع ایران ناچارند املاک موروثی و اجدادی خود را به ثمن بخرشند مامورین عراقی در رفتار با ایرانیان لازمه همکاری و ادب را رعایت نمیکند و مثل این است که خود را موظف به اشکال تراشی و سختگیری درباره ایرانیان میدانند و اساساً با ایرانی مثل يك دوست در عراق رفتار نمیشود. کدام کشور میتواند تا این حد تحمل و گذشت داشته باشد ما محض حفظ صلح این منطقه با تحمل و بردباری بسیار کوشش داریم تا از طریق مذاکره لااقل بطور موقت هم باشد مشکلات فیما بین را از میان برداریم ولی این کوششها با استقبال طرف مواجه نشده است.

اینجانب در اینجا درصدد تفصیل تخطیات عراق نیستم سناتورهای محترم بخوبی از جریان آگاهند این سؤال اکنون وجود دارد که این وضع ناگوار تا کی باید بین دو همسایه ادامه داشته باشد. اینجانب در این شرایط واقعاً خود را وظیفه دار می بینم بعرض برسانم که بیش از این تحمل نه جایز است و نه معقول. دوستی و حرمت همسایگی اگر دو جانبه نباشد نتیجه اش جز تولید دردسر چیزی دیگر نخواهد بود بنابراین اینجانب از این ساحت مقدس اعلام میکنم که از این بیعد تجاوزاتی که به ایران بشود با ملایمت و رعایت و ملاحظات دیرین بر گزار نخواهد شد و صدای هر سلاحی را که به کشور شاهنشاهی صدمه بزند خاموش خواهیم کرد. قبل از آنکه به عرایض خود خاتمه دهم باز هم تکرار میکنم که مابدفعات حسن نیت خود را ابراز داشته ایم و مکرر در مکرر تقاضا کرده ایم بیایند به گفتگو و مذاکره تن در دهند تا اختلافات را دوستانه حل کنیم. دولت شاهنشاهی حاضر و مهیاست که برای حل اختلافات در هر موقع در تهران و یا در بغداد وارد مذاکره شود. مامورین دولت شاهنشاهی به پیروی از منویات صلحجویانه شاهنشاه آریامهر با نمایندگان عراقی بر سر يك میز بنشینند و اختلافات خود را حل کنند. دولت شاهنشاهی ایران نه فقط در مورد همسایه خود عراق بلکه در مورد کلیه همسایگان این حقیقت را به ثبوت رسانده است که سیاست خارجی کشور با رعایت مقررات و اصول منشور ملل متحد مبتنی بر حفظ صلح چه منطقه ای و چه صلح جهانی بوده و در این دو مورد آنچه در قوه داشته بعمل آورده است و آمال و آرزوی ایران است مخصوصاً با همسایگان خود در

محیطی دوستانه با صلح و صفا زندگی کند بر مبنای همین سیاست صریح و روشن با همسایگان خود روابط صمیمانه داریم و اختلافات خود را با آنها حل کرده ایم. همین سه هفته قبل حدود فلات قاره خود را با کشور دوست و برادر عربستان سعودی روشن نمودیم. با دوست دیگرمان کویت صمیمانه و برادرانه در مذاکره هستیم و از میان همه همسایگان ما فقط عراق است که سالهای متمادی مسائل مرزی و اختلافات دیگر خود را با ما لاینحل گذاشته و تسویه هر نوع اختلافی را بدفع الوقت گذرانیده سهل است گاه بگاه با تجاوزات بی درپی مرزی روابط عادی دو کشور را نیز تیره میسازد.

اینجانب در عین حال که تصمیم دولت شاهنشاهی را در این ساحت مقدس اعلام داشتم از ته دل آرزو میکنم که دولت عراق دعوت صمیمانه ام را برای رفع کلیه اختلافاتی که با آنها اشاره شد بپذیرند و هیئتی تعیین نمایند که با حسن نیت با ما دور یک میز بنشینند و اختلافات دولتی را یکباره برای همیشه رفع کنند و دوره نوینی از صلح و صفا و برادری و صمیمیتی را که آرزوی ماست جایگزین این دوره نثار و کدورت و اختلاف نمایند.

۲- مسافرت وزیر امور خارجه ایران عراق

در اسفند ۱۳۴۲ (مارس ۱۹۶۴) که هیات نمایندگی عراق بایران آمده بود مقرر گردید وزیر امور خارجه شاهنشاهی در فرصت مناسبی برای ادامه مذاکرات و بازدید بعراق مسافرت نماید. پس از اینکه عبدالرحمن عارف بجای برادرش عبدالسلام زمامدار عراق شد مجدداً این دعوت از

طرف وزیر خارجه وقت آقای عدنان پاچه چی تجدید گردید. در همین موقع بسفیر ایران در بغداد اطمینان داده شده بود که دولت عراق تمایل دارد اختلافات را با ایران حل کند باینجهت آقای آرام وزیر امور خارجه وقت باتفاق هیاتی در تاریخ ۲۳/۹/۱۳۴۵ (دسامبر ۱۹۶۶) رهسپار بغداد گردید و چند جلسه با وزیر خارجه عراق ملاقات و مذاکره نمود. لیکن حاصل این مسافرت جز انجام يك عمل تشریفاتی چیز دیگری نبود عراقیها باز همان حرفهای سابق را تکرار کردند و حاضر بحل مسئله شطالعرب نشدند. بالاخره اعلامیه ای در پایان این مسافرت صادر شد که طی آن اشاره بلزوم ادامه مذاکرات درباره آبهای مرزی براساس « اصول حقوق بین الملل » شده بود.

۳- مسافرت های رئیس جمهور و نخست وزیر و وزیر دفاع عراق بایران در تاریخ ۲۳/۱۲/۱۳۴۵ (مارس ۱۹۶۷) عبدالرحمن عارف رئیس جمهور وقت بایران مسافرت نمود و در این فرصت باز مذاکراتی راجع بر روابط دو کشور صورت گرفت. در اعلامیه مشترکی که بمناسبت مسافرت عارف بایران در ۲۸/۱۲/۱۳۴۵ (مارس ۱۹۶۷) صادر گردید اشاره شده بود که مذاکرات درباره بهره برداری از آبهای رودخانه های مشترك بر وفق اصول حقوق بین المللی ادامه داده شود.

چند ماه پس از آن سپهبد طاهر یحیی که بنخست وزیر عراق منصوب شده بود اظهار تمایل کرد که برای مذاکره با مقامات دولت شاهنشاهی درباره مسائل مورد اختلاف

بایران مسافرت کند و این مسافرت در تاریخ دوشنبه سوم تیرماه ۱۳۴۷ (ژوئن ۱۹۶۸) صورت گرفت.

در بیانیه مشترکی که در پایان سفر طاهر یحیی در تاریخ ۴۷ ر ۴۸ (ژوئن ۶۸) انتشار یافت اعلام شده بود: « بمنظور اجرای مفاد اعلامیه مشترک ایران و عراق که در پایان مسافرت وزیر خارجه وقت ایران بعراق در تاریخ ۲۸ آذرماه ۱۳۴۵ صادر شده و اعلامیه مشترک ایران و عراق که در پایان مسافرت سپهد عارف رئیس جمهور عراق به ایران در تاریخ ۲۸ اسفند ماه ۱۳۴۵ صادر گردید طبق موافقتهائی که بین نخست وزیران دو کشور بعمل آمد قرار شد طرفین کمیسیونهای مختلطی در اسرع وقت تشکیل و نتایج آنرا گزارش دهند تا تصمیمات لازم اتخاذ گردد.»

در تاریخ ۱۷ ژوئیه ۱۹۶۸ حزب بعث در عراق کودتا کرد و در نتیجه عبدالرحمن عارف رئیس جمهوری و طاهر یحیی نخست وزیر از کار برکنار شدند و احمد حسن البکر بسمت رئیس جمهوری تعیین شد که بعد از چند روز پست نخست وزیری را هم خود بعهده گرفت.

سپهد حردان تکریتی وزیر دفاع و فرمانده نیروی هوائی و معاون رئیس جمهوری عراق در تعقیب حوادث مرزی درخواست نمود بمنظور اجرای اعلامیه مشترک دولتین در پایان مسافرت طاهر یحیی و همچنین حل مسائل معوقه و ایجاد محیط دوستانه بایران مسافرت نماید. دولت شاهنشاهی این تقاضا را پذیرفت و وزیر جنگ دولت شاهنشاهی از وی برای مسافرت بایران دعوت بعمل آورد. تکریتی در تاریخ

۴۷ ر ۱۴ (دسامبر ۱۹۶۸) در راس هیئتی مرکب از وزیر خارجه و مدیر کل سیاسی و چند نفر دیگر بایران مسافرت نمود و مانند سایر شخصیتهای عراقی که سابقا بایران آمده بودند در این سفر بخوبی استنباط کرد که دولت شاهنشاهی همواره خواستار رفاه و ثبات و ترقی ملت و دولت عراقست باینجهت ضمن ابراز علاقه دولت عراق بگسترش مناسبات دوستانه با همسایه بزرگ خود ایران آمادگی عراق را برای حل مسائل معوقه بین دو کشور (از جمله شطالعرب) و تجدید نظر در عهدنامه مرزی بصورت معمول بین المللی ابراز نمود و تقاضا کرد مذاکرات در بغداد ادامه یابد.

۴ - مسافرت هیات نمایندگی ایران بعراق

پس از مراجعت تکریتی دولت عراق طی یادداشت مورخ ۴۷ ر ۲۷ (۱۸ دسامبر ۱۹۶۸) اعضاء هیات نمایندگی خود را برای مذاکره پیرامون حل اختلافات معوقه بین دو کشور معرفی نمود. بلافاصله دولت شاهنشاهی نیز هیات نمایندگی ایران را بریاست معاون سیاسی وزارت امور خارجه معرفی کرد و قرار شد هیات ایرانی طبق دعوت مقامات عراقی در اوایل دیماه عازم بغداد شود ولی عراقیها باینکه وقت مسافرت نمایندگان ایران تعیین شده بود تقاضا کردند سفر هیات تا روز ۴۷ ر ۱۱ (۲۷ ژانویه ۱۹۶۹) بتأخیر افتد. معاون سیاسی و همراهان در روز مقرر عازم بغداد شدند و در نخستین جلسه مذاکره بعد از شرح این حقیقت که عهدنامه سرحدی ۱۳۱۶ در اثر نفوذ سیاستهای استعماری بدولت شاهنشاهی تحمیل شده و در آن اصول مسلم حقوق

بین الملل و اصل عدالت و نصفت رعایت نشده بر مبنای مذاکراتیکه سابقا شده بود خواستار انعقاد عهدنامه جدید مرزی بر مبنای اصول پذیرفته شده بین المللی گردیدند و طرح خود را تسلیم نمودند .

هیات نمایندگی عراق چندبار بطور یکجانبه تاریخ تشکیل دومین جلسه مذاکرات رسمی را بتاخیر انداخت و بعد از چند روز که جلسه تشکیل گردید معلوم شد دولت عراق این بار نیز حسن نیت نداشته و علیرغم آنهمه قول و وعده حاضر به انعقاد عهدنامه جدید نیست و با آنکه اعتراف میکردند عهدنامه ۱۳۱۶ در زیر نفوذ سیاستهای استعماری منعقد شده در مورد شط العرب نه تنها حاضر بقبول اصول متداول حقوق بین الملل نشدند بلکه باز همان حرف عبدالکریم قاسم را تکرار نموده گفتند مقداری از اراضی عراق هنگام انعقاد عهدنامه سرحدی بدون جهت بایران داده شده است . یعنی نه تنها بوعده تکریتی که اساس مسافرت هیات نمایندگی ایران ببغداد بود وفا نکردند بلکه باردیگر سوء نیت و بی اعتنائی خود را بعهدنامه سرحدی تکرار نمودند . باینجهت ماندن هیات نمایندگی ایران در بغداد و ادامه مذاکره سودی نداشت و هیات مذکور در تاریخ ۲۳/۱۱/۴۷ (۱۲ فوریه ۱۹۶۹) بتهران مراجعت کرد .

۵- اعلام کتبی بی ارزش بودن عهدنامه ۱۳۱۶

نامه ذیل از طرف آقای خلعت بری معاون سیاسی وزارت امور خارجه و رئیس هیات نمایندگی ایران هنگام عزیمت از بغداد با آقای نعمه النعمه رئیس هیات نمایندگی عراق

نوشته شد و طی آن کتبا و رسما اعلام گردید که عهدنامه سرحدی ۱۳۱۶ از نظر دولت شاهنشاهی ایران بی ارزش و کان لم یکن است .

بغداد - ۲۳/۱۱/۱۳۴۷ (۱۱/۲/۱۹۶۹)

جناب آقای نعمه النعمه رئیس هیئت نمایندگی عراق راجع به اظهاراتی که عصر روز یکشنبه نهم فوریه ۱۹۶۹ (۲۰ بهمن ۱۳۴۷) در دومین جلسه کمیسیون مشترک ایران و عراق نموده و نظریات دولت جمهوری عراق را در مورد طرح پیشنهادی هیئت ایران اعلام داشتند اشعار میدارد :
اظهارات مزبور تکرار مراتبی است که در موارد مختلف از طرف نمایندگان دولت عراق عنوان گردیده و در هر مورد از طرف دولت ایران بآن پاسخ داده شده است . بطوریکه کرارا اعلام گردیده عهدنامه سرحدی ۱۹۳۷ بدلائل زیادی و از جمله بعلت عدم اجرای مواد مهم آن طی دهها سال از طرف خود دولت عراق عملا نقض شده است و بعلاوه آن حقوق بین الملل میباشد علیهذا عهدنامه مزبور از نظر دولت شاهنشاهی ایران بی ارزش و کان لم یکن است .

چون هیئت نمایندگی ایران دستور دارد هرچه زودتر به تهران مراجعت کند اکنون بهمین مختصر اکتفا نموده و جواب تفصیلی اظهارات هیئت نمایندگی عراق بعدا داده خواهد شد .

باتجدید احترامات
رئیس هیئت نمایندگی ایران - عباسعلی خلعت بری

متعاقب نامه فوق یعنی پس از مدت دو ماه ونیم و پس از آنکه قائم مقام وزیر امور خارجه در مجلس سنا صریحا و رسما اعلام نمود که عهدنامه مرزی ۱۹۳۷ بلا ارزش و کان لم یکن میباشد در تاریخ دهم اردیبهشت ۱۳۴۸ (۳۰ آوریل ۱۹۶۹) نامه ای بشرح ذیل از تهران برای آقای نعم النعمه معاون وزارت خارجه عراق ارسال گردید:

«تهران دهم اردیبهشت ۱۳۴۸ (۳۰ آوریل ۱۹۶۹)

جناب آقای نعم النعمه معاون وزارت امور خارجه عراق بازگشت به نامه مورخ ۱۶ آوریل ۱۹۶۹ آنجناب اشعار میدارد چون آنجناب در دومین جلسه مذاکرات حسن نیت دولت شاهنشاهی را مورد تردید قرار دادند و حال آنکه مسلما از کلیه مذاکرات قبلی و کوشش های دولت شاهنشاهی ایران طی سالیان متمادی با هیئتهای مختلف عراقی و برای ملزم ساختن عراق بانجام تعهدات خود ناشیه از عهدنامه ۱۹۳۷ استحضار کامل داشته اند باکمال تاسف مشاهده شد که در چنین شرایطی ادامه مذاکرات باحسن نتیجه پایان نمی یابد. از این رو بنابه دستور دولت متبوع خود به تهران مراجعت نمود و اما راجع به نکاتی که در نامه خود بآن اشاره نموده اید.

۱- اصل حرمت عهود (پاکتاسونت سرواندا) که در نامه خود بآن اشاره کرده اید متاسفانه از طرف خود دولت عراق در مورد عهدنامه مرزی ۱۹۳۷ رعایت نشده است زیرا: الف- دولت عراق باوجود تقاضاهای مکرر دولت شاهنشاهی مواد ۴ و ۵ عهدنامه مزبور و ماده دوم پروتکل ضمیمه آنرا در طول ۳۲ سال که از تاریخ انعقاد عهدنامه میگذرد همواره

نقض و پایمال کرده است. بموجب قرارداد مزبور و مفاد پروتکل ضمیمه آن اداره شطالعرب میبایستی بموجب قرارداد خاصی مشترکا از طرف دولتین انجام میشد و نیز مقرر شده بود که این قرارداد در ظرف یکسال از تاریخ انعقاد عهدنامه ۱۹۳۷ بین طرفین منعقد گردد. همچنین در پروتکل مقرر شده بود که عواید حاصل از عوارض دریافتی به مصرف بهبود وضع کشتیرانی در شطالعرب برسد دولت شاهنشاهی ایران هر ششماه در جریان کارهایی که انجام می یابد و جوهری که دریافت میشود و مخارجی که بعمل می آید و هر نوع اقدام دیگری که مجری میشود قرار داده شود. ولی دولت عراق علیرغم تعهدات مندرجه در ماده ۲ پروتکل پیوست عهدنامه که موظف شده بود هر ششماه یکبار گزارش عملیات مزبور را بدولت ایران بدهد از انجام این تعهد خودداری کرد و فقط یکبار در سال ۱۹۳۸ گزارشی از عملیات خود را در شطالعرب بدولت ایران تسلیم کرده است. در تعقیب اعتراضاتی که دولت ایران بعمل آورد تعهد کردند. از سال ۱۹۴۸ بیعد گزارشهای ششماهه را تسلیم نمایند ولی این تعهد را نیز انجام نداده اند.

ب- اضافه بر آنچه گفته شد باید خاطر نشان ساخت که دولت عراق قوانین و مقرراتی نیز که جنبه یکجانبه داشته است بی آنکه موافقت دولت ایران را کسب کرده باشد وضع و در شطالعرب بموقع اجراء گذاشته اند و باوجود اعتراض دولت شاهنشاهی معذک ترتیب اثری به آن داده نشده است. ج- باتوجه باین سوابق استناد دولت عراق باصل حرمت عهود جای بسی تعجب است زیرا دولت عراق برخلاف

همان اصلی که خود اعلام مینماید بوجوه مختلف مواد اساسی عهدنامه سرحدی ۱۹۳۷ را نقض نموده و در واقع با عدم رعایت و اجرای موادی که مربوط به هدف اصلی و منظور اساسی عهدنامه سرحدی میشود این سند را عملاً یکجانبه نقض نموده است. بنابراین وضعی که دولت شاهنشاهی در قبال عهدنامه ۱۹۳۷ اتخاذ نموده که عبارت از بی‌ارزش و کان‌لم‌یکن دانستن عهدنامه ۱۹۳۷ میباشد نتیجه طبیعی نقض معاهده از طرف خود دولت عراق است.

۲- شط‌العرب از لحاظ حقوقی و جغرافیائی نمیتواند در تحت تسلط و حاکمیت مطلق عراق قرار گیرد زیرا بیش از نیمی از آب آن از رودخانه‌های ایران سرچشمه میگردد و قسمت عمده کشتیرانی شط بدو بندر مهم ایران متوجه مییاشد و بدیهی است دولت ایران نمیتواند برای خود حقوقی کمتر از حقوق عراق در شط مزبور قائل شوند. از روح کلی عهدنامه ۱۹۳۷ و مفهوم واقعی پروتکل منضم بآن نیز این معنی بخوبی استنباط میگردد که شط‌العرب در حاکمیت مطلق عراق نیست. با اضافه بواجب اصل پذیرفته شده در حقوق بین‌المللی و عمل قریب باتفاق همه دولتها لازمه اشتراك منافع در رودخانه‌های قابل کشتیرانی تساوی حقوق کشورهای ساحلی است و مزایای خاصی برای کشوری بضرر کشور دیگر شناخته نشده است.

۳- گذشته از این میتوان گفت اوضاع و احوالی که منتج به وضع ماده چهارم پروتکل ضمیمه عهدنامه سرحدی ۱۹۳۷ گردیده تغییر نموده است و این تغییر وضع ایجاب

مینماید رژیم جدیدی برای استفاده از این رودخانه که متضمن حقوق طرفین باشد بوجود آید.

۴- در خاتمه اعلام میدارد که دولت شاهنشاهی ایران علاقمند است که روابط و مودت خود را با دولت جمهوری عراق حفظ نماید و آماده است عهدنامه جدیدی بمنظور تعیین مرز آبی در شط‌العرب بر مینا و بر طبق اصول متداول حقوق بین‌الملل منعقد سازد و امیدوار است که دولت عراق نیز با مراعات حقوق مسلم ایران در شط‌العرب از همین رویه پیروی و به تحکیم مناسبات دوستی فیما بین مساعدت نمایند.

موقع را برای تجدید احترامات فائقه مغتنم میشمارد.

عباسعلی خلعت‌بری

معاون سیاسی وزارت امور خارجه

فصل پنجم

چگونگی پیدایش بحران اخیر و نطق قائم مقام

وزیر امور خارجه شاهنشاهی در مجلس سنا

۱- اظهارات معاون وزارت خارجه عراق

بطوریکه در فصل چهاردهم ملاحظه فرمودند علیرغم وعده صریح عراقیها طی اعلامیه‌های پیاپی و برخلاف قولی که معاون رئیس جمهوری عراق در تهران داده بود و بر اثر آن هیات نمایندگی ایران دعوت دولت عراق را پذیرفته و بغداد سفر کرد مذاکرات بغداد بجائی نرسید و هیات نمایندگی ایران بتهران مراجعت نمود.

متعاقب این جریان در تاریخ ۲۶/۱۲/۱۳۴۸ (۱۵ آوریل ۱۹۶۹) آقای نعم‌النعمه معاون وزارت خارجه عراق سفیر شاهنشاه آریامهر را در بغداد بدفتر خود دعوت نمود و بوی اظهار داشت: « دولت عراق شطالعرب را جزوی از قلمرو خود میدانند و از دولت شاهنشاهی تقاضا دارد بکشتیهائی

که پرچم ایران را در شطالعرب برافراشته‌اند دستور داده‌شود پرچم ایران را پائین بیاورند و اگر از نفرات نیروی دریائی کسی در کشتی باشد خارج شوند و الا دولت عراق مامورین نیروی دریائی ایران را با توسل بزور از کشتی خارج خواهد ساخت و در آتیه اجازه نخواهد داد کشتیهائیکه مقصد آنها بنادر ایران است وارد شطالعرب شوند. »

پیرو این اظهارات که تهدیدی بحقوق طبیعی و حق حاکمیت ایران در شطالعرب بود آقای امیرخسرو افشار قائم مقام وزیر امور خارجه شاهنشاهی در تاریخ ۳۰/۱۲/۴۸ (۱۹ آوریل ۱۹۶۹) نطقی در مجلس سنا در پاسخ سؤال یکی از سناتورها راجع بروابط ایران و عراق ایراد نمود و طی آن باردیگر بعد از شرح رفتار غیرانسانی مقامات عراقی با اتباع ایران و شدت عملی که نسبت بآنان روا میدارند بصراحت اعلام داشت که « نظر بدلائلی که باستحضار مجلس سنا رسید عهدنامه مرزی ۱۳۱۶ بین ایران و عراق نقض شده و از لحاظ دولت شاهنشاهی بلاارزش و کان‌لم‌یکن میباشد و دولت شاهنشاهی در سراسر شطالعرب هیچ اصلی جز اصل شناخته شده در حقوق بین‌الملل یعنی اصل تالوگ را قبول ندارند و بنابراین باتمام قوا از هرگونه تخطی بحقوق حاکمیت خود در آبهای شطالعرب جلوگیری نموده و اجازه تجاوز به احدی نخواهد داد. »

۲- نطق قائم مقام وزیر امور خارجه در مجلس سنا

متن نطق قائم مقام وزیر امور خارجه شاهنشاهی در مجلس سنا بشرح ذیل است:

« ... نسبت بواقعه مورخه ۱۵ اسفندماه گذشته که منجر بقتل یکی از صیادان ایرانی گردیده است مرزبان ایرانی فوراً بمرزبان عراق اعتراض نموده و سفارت شاهنشاهی در بغداد نیز نسبت باین عمل دولت عراق اعتراض کرده و توضیح خواسته و تذکر داده است که بمأمورین عراقی دستور دهند از تکرار این تجاوزات خودداری و خسارت وارده را بپردازند ولی متأسفانه از دولت عراق هنوز پاسخی راجع باین مطلب نرسیده است .

راجع بواقعه صیادانی که در تاریخ ۳ فروردین دستگیر شده اند فوراً سفارت شاهنشاهی در بغداد بدولت عراق اعتراض و آزادی فوری دستگیرشدگان را خواستار گردید و همانطور که باطلاع سناتور محترم رسیده بالاخره دولت عراق دستگیرشدگان را آزاد نمود .

در باب تضییقات و شدت عمل نسبت بایرانیان مقیم عراق متأسفانه اخباری که به سناتور محترم رسیده صحیح میباشد و مدتی است که مقامات عراقی نسبت بایرانیان مقیم عراق شدت عمل نشان داده و عده ای را بدون دلیل بازداشت کرده و طبق اخبار موثق در زندانهای عراق بعضی از آنها را مورد شکنجه قرار داده اند .

نمیدانم باستحضار سناتور محترم رسیده است که حتی در رادیو تلویزیون بغداد یکی از کمونیستهای عراقی را که توقیف کرده بودند و ادار نموده اند که مطالب غیر واقع و کذب محض راجع بایران بیان نماید .

پرواضح است که منظور از این تحریکات چیست فعلا

و در این موقع نمیخواهم بتفصیل در این باب سخن بگویم ولی اطمینان میدهم که دولت شاهنشاهی کاملاً مراقب بوده و امیدوار است دولت عراق متوجه عواقب نامطلوب و خطرناک این تجاوزات و تضییقات و تحریکات و صحنه سازیهها بشود و از تکرار آن جلوگیری نمایند .

حال که مطلب باینجا کشیده شد بموقع میدانم مختصری راجع بوضع شطالعرب که نام باستانی آن اروندرود و مرز مشترك بین ایران و عراق است بعرض مجلس محترم سنا برسانم . دولت شاهنشاهی ایران به پیروی از نیت صاحبجویانه شاهنشاه آریامهر و نظر به علائق دیرینی که باعراق دارد همواره کوشیده است اختلافات مرزی خود را باعراق که اهم آن مسئله حقوق ایران در شطالعرب میباشد بطور دوستانه حل و فصل نماید ولی از روزی که عهدنامه سرحدی ایران و عراق مورخه ۱۳۱۶ منعقد گردیده هیچوقت دولت عراق نخواسته است خود را ملزم بتعهدات ناشیه از عهدنامه مزبور بنماید بدین ترتیب که دوماده اساسی آن یعنی مواد ۴ و ۵ و ماده ۲ پروتکل ضمیمه آن ناظر بر اداره مشترك شطالعرب و طرز مصرف عواید آن میباشد از روزامضاء عهدنامه تا با امروز از طرف دولت عراق اجراء نشده و کوششهای مستمر دولت شاهنشاهی ایران برای الزام دولت عراق بایفای بعهد و اجرای تعهدات ناشی از عهدنامه مطلقاً بی نتیجه مانده است و دولت عراق اداره شط را یکجانبه و بطور غیرقانونی در مدت ۳۰ سال در دست خود نگاهداشته و در تمام این مدت عواید هنگفت حاصله از کشتیرانی در این رود مشترك مرزی را اداره بندر بصره به تنهایی دریافت و به میل خود و برخلاف مقررات

عهدنامه بمصارف دیگری مثل ساختن هتل و فرودگاه در بصره رسانده و با اعتراضات دولت شاهنشاهی ترتیب اثر نداده و حتی از ارسال صورتحساب عواید هم خودداری نموده است .

باتوجه باین وضع همانطور که ظرف چند سال اخیر بکرات از طرف دولت شاهنشاهی علناً چه در این مجلس محترم و چه در مجلس شورای ملی اعلام و بدولت عراق هم اخیراً باز کتباً ابلاغ شده است چون دولت مزبور مواد اصلی عهدنامه ۱۳۱۶ را خود نقض نموده و اقدامات دولت شاهنشاهی ایران برای ملزم ساختن عراق بانجام تعهدات خود بجائی نرسیده لذا طبق اصول ثابت حقوق بین‌المللی از نظر دولت شاهنشاهی عهدنامه سرحدی ۱۳۱۶ نقض شده محسوب و بسی ارزش و کان لم یکن میباشد .

سناتورهای محترم .

باز هم حقوق بین‌المللی جزو علل فسخ قراردادهائی که مثل قرارداد ۱۳۱۶ بدون مدت تنظیم شده علتی را شناسد که با اسم اصل *Rebus Sic Stantibus* موسوم میباشد . این اصل بر این فرض است که هر قراردادی باین شرط منعقد میگردد که اوضاع و احوال خاصی که در موقع انعقاد قرارداد وجود داشت بجای خود باقی بماند لذا از بین رفتن آن اوضاع و احوال بطور ضمنی جزو شرایط الغاء تعهدات ناشیه از قراردادها میباشد بنابراین اگر اوضاع و احوال تغییر پیدا کند شرایط وجود عهدنامه از بین میرود و هر طرف متعاهدی حق اعلام فسخ عهدنامه و یا هر یک از مواردی که با وضع

جدید وفق نمیدهد دارا میباشد و تاکنون اجراء این اصل شناخته شده در حقوق بین‌المللی از طرف دولتها موارد زیاد دارد .

با توجه باصالی که عرض کردم عهدنامه مرزی ۱۳۱۶ بین ایران و عراق در زمانی منعقد گردیده که استعمار انگلیس هنوز در اوج قدرت خود بوده و با تمام قوا عراق را زیر پروبال خود گرفته و با بکار رفتن فشار در مضیقه گذاردن ایران این قرارداد که طبق آن تمام شطالعرب باستثناء دو قسمت آن بعراق بخشیده میشود امضاء شده است . در دنیای کنونی وضع مشابهی یافت نمیشود که رودخانه قابل کشتیرانی بزرگی بعظمت شطالعرب مرز بین دو کشور بوده ولی اختیار آن منحصرأ در دست طرف دیگر باشد . چطور ممکن است قبول نمود رودخانه مرزی که بیشتر آبهای آن از ایران سرچشمه میگردد متعلق بدیگری باشد . در دنیای کنونی طبق اصول حقوق بین‌المللی برای رودخانه هائیکه مرز مشترك بین دو کشور هستند قاعده و رسوم مشخص و معینی وجود دارد اینک که دوره استعمار سپری گشته و اوضاع و احوال زمان ۱۳۱۶ یعنی زمان استیلاء استعمار و امضاء قرارداد تغییر یافته باید تمام آثار و نتایج حاصله از استعمار با خود استعمار از بین برود آیا عجیب نیست که بگویند استعمار از کشوری رخت بر بسته ولی آنکشور با تمام قوا در حفظ آثار و نتایج استعمار که این قرارداد نمونه آنست بکوشد ؟

باز هم طبق اصول حقوق بین‌المللی در هر قراردادی یکی از اصول مهم آنست که اصل تساوی حقوق طرفین در نظر گرفته شود اینک این سؤال پیش میآید که آیا این اصل

تساوی حقوق در مورد شطالعرب رعایت شده است یا خیر؟
اگر این اصل رعایت شده چگونه طبق اصول معمول به حقوق
بین‌المللی که وقتی رودخانه بزرگی مرز بین دو کشور است
اصل خط تالوگ یعنی خط القعر و یا خط منصف را برای
حدود مرزی تعیین میکنند در نظر نگرفته و با استثناء دو قسمت
تمام شط را یکطرفه بعراق واگذار میکنند؟

شنیده شد که یکی از مقامات مسئول عراق گفته است
که قسمتی از شطالعرب را که منظور خط القعر آبهای مقابل
آبادان و خط القعر مقابل خرمشهر باشد در قرارداد ۱۳۱۶
بایران بخشش نموده‌اند. این ادعا بکلی بی‌اساس و حقیقت
چیز دیگری است زیرا در تمام مدتی که امپراتوری عثمانی
در این قسمت همسایه ایران بوده در هیچیک از عهدنامه‌هایی که
باسم عهدنامه ارض روم معروف است موضوع حاکمیت و تعیین
خط مرزی ایران و عثمانی در شطالعرب تصریح نشده و طبق
مدرك موجود روشی که دولتین ایران و عثمانی از آغاز
رفت و آمد کشتیها بشطالعرب و شاید از خیلی پیش عملاً اتخاذ
کرده بودند این بود که همه‌گونه اعمال حاکمیت در شط تا
نقطه‌ای که هر دو ساحل متعلق به عثمانی میشد مشترکاً اجرا
میگردید.

بیش از این نمیخواهم در این زمینه بسط کلام دهم
بطور اختصار در این مجلس محترم مجدداً اعلام میکنم که نظر
بدلائلی که باستحضار رسید عهدنامه مرزی ۱۳۱۶ بین ایران
و عراق نقض شده و از لحاظ دولت شاهنشاهی بلاارزش و
کان لم یکن میباشد و دولت شاهنشاهی در سراسر شطالعرب
هیچ اصلی جز اصل شناخته شده حقوق بین‌المللی یعنی اصل

تالوگ یا خط منصف را قبول ندارد و بنابراین با تمام قوا از
هر گونه تخطی بحقوق حاکمیت خود در آبهای شطالعرب
جلوگیری نموده و اجازه تجاوز را باحدی نخواهد داد.

ضمناً لازم میدانم بعرض برسانم که در تاریخ ۲۶ ماه
جاری معاون وزارت خارجه عراق از سفیر شاهنشاه آریامهر در
بغداد تقاضا میکند که بملاقات ایشان بوزارت خارجه برود. در
ملاقات مزبور معاون وزارت خارجه به سفیر شاهنشاه آریامهر
اظهار میدارد که دولت عراق شطالعرب را جزوی از قلمرو
خود میداند و از دولت شاهنشاهی تقاضا دارند بکشتیهاییکه
پرچم ایران را در شطالعرب برافراشته‌اند دستور داده شود
پرچم ایران را پائین بیاورند و اگر از نفرات نیروی دریائی
کسی در کشتی باشد خارج شوند والا دولت عراق مامورین
نیروی دریائی ایران را با توسل بزور از کشتی خارج خواهد
ساخت و در آتیه اجازه نخواهد داد کشتی‌هاییکه مقصد آنها
بنادر ایران است وارد شطالعرب شوند.

آقایان محترم تهدید معاون وزارت خارجه عراق یعنی
تهدید بحقوق حقه و طبیعی ایران یعنی تهدید به حقوق
حاکمیت ایران چطور ممکن است بکسی اجازه داد که پرچم
ایران را پائین آورده و یا به نیروی مسلح شاهنشاهی توهین
نماید؟ امروز حتی کشوری که نیروی اتمی دارد نسبت به یک
کشور ضعیف چنین تهدیدی را نمیکند تا چه رسد بعراق.

دولت شاهنشاهی ایران با تمام علائقی که برای حفظ
و توسعه روابط دوستانه خود با عراق داشته و دارد با توجه
بکوششهاییکه در این زمینه بعمل آورده و همچنین با نهایت
حسن نیت آماده انعقاد قرارداد جدیدی با عراق میباشد معذک

در جواب تهدیدات عراقیها در این مجلس محترم همانطور که بدولت عراق اطلاع داده شده بنام دولت شاهنشاهی اعلام میدارم که هر گونه تخطی و تجاوز بحقوق حاکمیت ایران در شطالعرب و هر گونه ممانعت از ورود کشتی ها به مقصد بنادر ایران و هر گونه تجاوز به کشتیهائی که پرچم ایران را دارند و یا هر گونه توسل بزور نسبت به نیروهای مسلح شاهنشاهی ایران با مقاومت و عکس العمل شدید مواجه و آتش آنها با آتش نیروهای مسلح شاهنشاهی پاسخ داده خواهد شد و مسئولیت اینکار و عواقب بسیار خطرناک آن که ممکن است دامنه وسیع داشته باشد منحصرأ متوجه دولت عراق خواهد بود .

۳- اعلامیه وزارت امور خارجه

متعاقب بیانات قائم مقام وزیر امور خارجه در مجلس سنا اعلامیه ای در تاریخ ۲۷/۲/۱۳۴۸ (۲۷ آوریل ۱۹۶۹) از طرف وزارت امور خارجه شاهنشاهی صادر گردید که متن آن ذیلا نقل میشود :

«همانطوریکه رسماً از طرف دولت شاهنشاهی ایران اعلام گردیده چون مواد مهم عهدنامه مرزی ایران و عراق مورخ ۱۳۱۶ طی سی و دوسالی که از تاریخ انعقاد آن میگذرد علیرغم مساعی و تقاضاهای مکرر دولت شاهنشاهی همواره مورد بی اعتنائی دولت عراق قرار گرفته و از اجرای آن با اتخاذ رویه دفع الوقت سر باز زده اند لذا عهدنامه مذکور از طرف دولت عراق نقض شده میباشد و بنابر اصول مسلم حقوق بین المللی دولت شاهنشاهی آن را بدون ارزش و

کان لم یکن و منتفی می شمارد مضافاً باینکه با توجه بسوابق تاریخی و مقتضیات و اوضاع و احوالیکه هنگام امضای عهدنامه وجود داشته و استعمار با تمام قوای خود بحمایت عراق برخاسته و موادی چون بند ۴ پروتکل ضمیمه عهدنامه که وظایف خاص عراق را نسبت به انگلستان تعهد مینماید در عهدنامه گنجانیده بود اینک با تغییر اساسی آن اوضاع و احوال آثار و نتایج و ثمرات آن نیز قابل قبول نبوده و تحفه استعمار باید از بین برود . و بنابر اصل حقوق «ربوس سیک استانتی بوس» که بی ارزش و بی اعتبار بودن معاهدات را بشرط تغییر اوضاع و احوال زمان انعقاد قبول مینماید دیگر عهدنامه تحمیلی و نامتساوی مرزی ۱۳۱۶ نمیتواند دارای اعتبار و اثر باشد خاصه آنکه نسبت باروندروود که قسمت اعظم آبهای آن از منابع و کوههای ایران سرچشمه میگردد بهیچوجه اصل تساوی حقوق که در کلیه معاهدات باید مورد توجه قرار بگیرد رعایت نشده است درعین حال همانطوریکه رسماً اعلام شده دولت شاهنشاهی ایران به پیروی از تعالیم و نیات صلحجویانه شاهنشاه آریامهر تمایل داشته و آماده است که در باب تثبیت مرز در اروندرود بر اساس خط «تالوگک» که مبتنی بر اصول متداول حقوق بین المللی است حتی فردا بادولت عراق وارد مذاکره شده عهدنامه جدیدی امضاء نماید .

همچنین آمادگی دارد که در صورت ابراز حسن نیت از جانب مقامات عراقی بحالت اضطراری و غیر عادی که در نتیجه تهدیدات دولت عراق اینک در مرز حکم فرماست بشرط عمل متقابل خاتمه داده و بتمام واحدهائی که بمرز رفته اند دستور دهد که بمرکز خود مراجعت نمایند .

دولت شاهنشاهی ایران ضمناً لازم میدانند تأکید نمایند که در این فاصله و در هر حال چنانچه نسبت بپرچم شاهنشاهی ایران قصد هتك حرمت بشود و یاد امر کشتیرانی آزاد در اروند رود ممانعتی بعمل آید هر يك از این اعمال با عكس العمل شدید مواجه خواهد گردید و دولت شاهنشاهی بحکم وظیفه مقدس خود الزاماً هر گونه مانع و رادعی را از میان بپر خواهد داشت و دولت عراق مسئول عواقب سوء پیش آمدهائیکه در نتیجه روبه تجاوز کارانه آنها در اروند روی دهد خواهد بود» .

بنابراین دولت شاهنشاهی در عین حال همانطوریکه مکرراً و در مقامات مختلف اعلام نموده به پیروی از تعالیم عالیه و منویات صالحجویانه شاهنشاه آریامهر تمایل دارد و آماده است در باب تثبیت مرز در شط العرب بر اساس خط تالوگ که مبتنی بر اصول متداول حقوق بین المللی میباشد با دولت عراق وارد مذاکره شده عهدنامه جدیدی که عملاً حقوق ایران را در شط العرب تأمین نماید با آن دولت منعقد سازد .

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه اسلامی
دفتر ستاد هیأت امنای کتابخانه های عمومی کشور
شماره ثبت دفتر
تاریخ شعب
شماره قفسه
۲۴۲۸
۱۹ / ۱۱ / ۶۴
۹۲

۱۳۰۶

جیب کتھان